



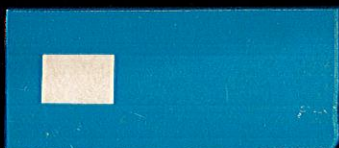
مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی

۶۱



کتابخانه مرکزی
منابع آمارهای جمعیتی
در ایران
Central Library
University

دکتر مهدی امانی



منابع آمارهای جمعیتی در ایران

دانشگاه تهران
کتابخانه ملی ایران

منابع آمارهای جمعیتی
در ایران



۷۳۷۱

انشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی

شماره ۶۱



۱۳۴۷

۲۵۴۹



دانشگاه تهران

مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی

منابع آمارهای جمعیتی در ایران

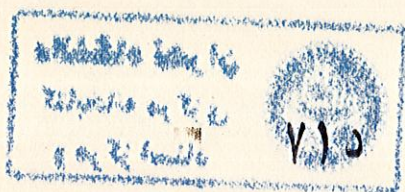
۱۳۴۱ هجری قمری، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی

تألیف دکتر مهدی امانی

شماره اول، فصل اول، شماره اول، شماره اول، شماره اول

تألیف

دکتر مهدی امانی



۲۷۵۲

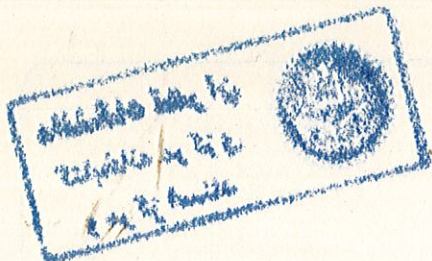
کتابخانه و اسناد
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

مجموعه آثار آیت الله العظمی
امام خمینی

چاپ و صحافی این کتاب در ۲۰۰۰ نسخه در آذر ماه ۱۳۴۷
در چاپخانه دانشگاه تهران خاتمه پذیرفت

حق طبع مخصوص مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی است

بها : ۳۰ ریال



Publication of the Institut d'Etudes et de Recherches Sociales
Université de Téhéran
No. 61

STATISTIQUES DEMOGRAPHIQUES

en Iran

Par

M. AMANI

Téhéran - 1968

۲۵۴۷ >



دانشگاه تهران

مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی

دوره آموزش مدیریت و برنامه ریزی اجتماعی

سال تحصیلی ۵۱-۱۳۵۰

برنامه ریزی اجتماعی

(خلاصه یادداشت‌های درس)

جناب آقای دکتر شاپور راسخ

به کوشش: اسداله‌هاشمی

مقدمه در هدف برنامه‌ریزی اجتماعی و تشکیل این دوره:

- ۱- آشناسدن به اصول مدیریت ونحوه مدیریت يك مؤسسه اجتماعی
- ۲- تکیه بیشتر بر آنچه موجب رفاه همگان میشود . تلفیق کردن توسعه اقتصادي واجتماعي

سیاست اجتماعی در جنب سیاست اقتصادی و در جنب برنامه‌ریزی مطرح است در برنامه مملکت مایک سلسله مؤسسات پیش بینی شده که باید مدیرانی برای آن تربیت شوند با توجه بمسائل توسعه اقتصادی و اجتماعی بطور هماهنگ . مدیرانی لازم است تا سبب تلفیق آیند و بشوند پس در برنامه‌ریزی اجتماعی

کسانی را پرورش میدهم که آگاه به سیاست اجتماعی و اقتصادی باشند و بتوانند توسعه اقتصادی واجتماعی را با هم تلفیق کنند .
برنامه‌ریزی اجتماعی اجازه میدهد که با سیاست اجتماعی ونحوه به اجرا در آوردن سیاست اجتماعی آشنا شویم .

آشنائی با اصول اداره سازمانهای اجتماعی (مراد مان سازمانهای عام المنفعه است که برای خدمت به رفاه همگان بوجود آمده) چنین سازمانها بعنوان جزئی از وظایف دولت تلقی شده است یعنی دولت يک سیاست رفاه پذیرفته و در قالب این وسیله دولت و یا به تشویق دولت تعدادی مؤسسات اجتماعی بوجود میآید که منظور از ایندوره تربیت و پرورش کارمندی است برنامه‌ریزی اجتماعی راه گشای مدیریت اجتماعی است .

برنامه‌ریزی اجتماعی : این کلمه در ترجمه Planning ی——
Planification است این اصطلاح به معانی متعددی آمده است
(دایره المعارف علوم اجتماعی)

برنامه‌گذاری اقتصادی در کشور منوچهر فرهنگ مطالعه شود .

در اینجا به انواع مفهوم را باید از هم تفکیک کرد (۱) معنای عام

(۲) معنای خاص برنامه‌ریزی

۱- معنای عام برنامه‌ریزی عبارتست از تفکر درباره آینده و حوادث آینده و اتخاذ تدابیر لازم برای تصرف در آینده و یا حوادث آینده

پیش بینی بمنظور تصرف در *forecast = prevision*

امور (برنامه‌ریزی)

برنامه‌ریزی بمعنای عام کلمه بیشتر بر سنجش فردی متکی است.

در صورتیکه برنامه‌ریزی بمعنای خاص پایه علمی دارد یعنی مطالعه و تحقیق و روش علمی و بصورت کوشش دسته جمعی است برای مطلوب کردن جریان آینده.

۲- معنای خاص برنامه‌ریزی: معمولاً "بمفهوم برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی بکار می‌رود. این چنین برنامه‌ریزی اولاً "دارای پایه علمی است چون مبنی بر مطالعه علمی و فنی است درباره منابع و امکانات یک جامعه ثانیاً "بصورت سنجش یا خواست فردی نیست بلکه کوششی است دسته جمعی و تنظیم شده *Organized* برای رسیدن به هدف مطلوب.

منابع یعنی داراییهای بیش و کم آشکار مثلاً "منابع نفتی ایران، منابع ذغال و مس. منابع انسانی تعداد تحصیل کردگان. اینها در عین حال منابعی است بالقوه که میشود بوجود آورد و تجهیز کرد. مثلاً "امکانات قرض گیری دولت بوسیله اوراق قرضه.

برنامه‌ریزی از یک سو به هدف و از سوی دیگر به منابع و امکانات بستگی دارد — کار برنامه ریزانست که این منابع و امکانات را که با مطالعه علمی و فنی شناخته‌ایم تجهیز کنیم یا بکار بیاوریم برای رسیدن به آن هدف این تجهیز جنبه کوشش دسته جمعی جنبه کوشش منظم دارد. تعاریف مختلف از برنامه‌ریزی:

برنامه‌ریزی یعنی استفاده حداکثر از منابع کمیاب برای رسیدن به رشد

اقتصادی یا برای رسیدن به هدف که ممکن است فرق کند.

۱- برنامه‌ریزی بمنظور حداکثر افزایش تولید اقتصادی

۴- قانونی کردن برنامه

۵- تأمین وسائل مادی و انسانی و سازمانی برنامه

۶- طرح و اجرای پروژه‌ها (برنامه معمولاً " در قالب پروگرام‌ها و پروژه‌ها پیاده می‌شود و بعد اجرا، نظارت بر اجرا و تصحیح کار در مراحل اجرا و بالاخره ارزیابی اجرایی و ارزیابی برنامه بعد .

مراحل برنامه‌ها می‌توان به معنای دیگر اراده کرد . برنامه کلی در قالب برنامه‌های جزئی (پروگرام) و برنامه‌های بخش (سکتور) و در قالب پروژه‌ها و طرح‌ها بموقع اجرا نهاده می‌شود .
موضوع دیگر نوع برنامه :

بر حسب نوع اجرا تقسیم بندی می‌شود بنامهای برنامه دستوری ، ارشادی ، تشویقی یا ترمیمی برنامه‌ریزی دستوری یا آمرانه : در یک جامعه سوسیالیستی مطرح است که تمام منابع را اختیار مجموعه مردم است (دولت)
برنامه‌ریزی ارشادی یا راهنما : نوعی که در کشورهای اروپای غربی و ایران است که دولت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را با وسائل تشویق و ارشاد و جهت میدهند البته قسمتی از سرمایه گذاری توسط خود دولت انجام میشود (در ایران چون نفت وجود دارد) در مورد خود دولت برنامه‌ریزی آمرانه است ولی قسمتی که مربوط به بخش خصوصی است دارای جنبه ارشاد است .
برنامه‌ریزی تشویقی که دولت در آن مداخله‌ای ندارد .

در سراسر دنیا تمایل به برنامه‌ریزی ارشاد است (بعد از جنگ دوم)
برنامه‌ریزی امروز عملاً " در سراسر جهان پذیرفته شده است و سه شکل عمل از نظر درجه الزام یا اجبار گرفته است و همچنین برنامه‌ریزی از نظر مدت سه نوع تقسیم شده که هر سه بصورت مکمل یکدیگرند برنامه‌ریزی بلند مدت خط مشی اساسی را تعیین میکند متوسط مدت و کوتاه مدت

برنامه ریزی گاه بصورت متمرکز از نظر تهیه و تنظیم باشد گاه بصورت غیر متمرکز .
متمرکز در جامعه‌های سوسیالیستی بنحویز به یوگوسلاوی هد فهارا مشخص میکند و این

برنامه در قالب بخشها و طرحهای مختلف پیاده میشود .
 در برنامه ریزی غیر متمرکز هر واحدی هدفهای خود را مشخص میکند
 و مجموعه هدفها و مقاصد مثلا " تولیدی برنامه ملی را تشکیل میدهند .
 برنامه ریزی اجتماعی : برنامه ریزی از رشد قابل تفکیک نیست
 پس از جنگ جهانی دوم . کشورها را به پیشرفته - کم رشد تقسیم کرده اند .
 نخست اصطلاحات مانند عقب مانده بکار رفت *Back word* این
 اصطلاح دارای طنین بدی بود .
Under development با توجه باینکه تمام کشورها کوششی برای
 پیشرفت کردند لذا کشورهای در حال رشد اصطلاح شد .

وجه تمیزی که بین جامعه های کم رشد و کشورهای پیشرفته بود در درجه اول :
 درآمد سرانه کشورهایی که ۵۰۰ دلار یا کمتر دارند پیشرفته و پائینتر از ۵۰۰
 دلار کشورهای کم رشد یا در حال رشد
 در داخل کشورهای کمتر از ۵۰۰ دلار کشورهای ۱۰۰ دلار و کشورهای
 که ۵۰۰ و ۳۰۰ دلار دارند تفکیک کرده اند و کشورهای بزرگ ۳۰۰ و ۵۰۰ دلار -
 کشورهای اخیر در حال جهش

Rostow stages of economic

take off خیز اقتصادی

بنظر راستو ۵ مرحله در تکامل اقتصادی است . سیر جوامع را از جوامع غیر متحرک
 و جوامع در حال رشد و حرکت ۳۰۰ دلار و جوامع در حال جهش اقتصادی تا -
 ۵۰۰ دلار و گروه جوامعی که حدود ۲۰۰۰ درآمد سرانه دارند کشورهای
 پیشرفته . مصرف بسیار برای انبوه خلق که شاید در کشور را در بر بگیرد مانند
 آمریکا (تمدن مصرف یا جامعه مصرف)

در سالهای اخیر جامعه های بعد صنعت اصطلاح شده
 طبقه بندیهای جوامع در حال رشد و کم رشد بسیار متنوع است
 نکته مهم اینکه محققان متوجه شده اند که رشید و کم رشد فقط میزان

درآمد سرانه نیست بلکه در آن واحد يك سلسله صفات کیفی است و مجموعه ایست از اوصاف جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و حتی روانی و اخلاقی.

توسعه اقتصادی کشورهای توسعه نیافته د کتر افتداری

کشورهای توسعه نیافته نهادندی
 الفبای رشد اقتصادی از رابرت الکساندر ترجمه اسدی انتشارینگاه
 ترجمه و نشر کتاب

توسعه نیافتگی يك مسئله بسیار پیچیده است. محققان توانسته اند بیک رشته شاخصهای اقتصادی بپردازند کشورهای از طریق شاخصها طبقه بندی میشوند:

۱- میزان مرگ و میر کودکان و نوزادان در کامرون ۱۸۰ در هزار در نیجریه

۱۶۲ در هزار کانادا ۲۷۰ در هزار، آمریکا شمالی ۲۶ در هزار

۲- میزان انتظار عمر در آغاز ولادت (امید زندگی) در کامرون ۳۲ سال در نیجریه

۳۸ سال در کانادا ۷۰ در آمریکا شمالی نزدیک به ۷۰- ژاپن ۶۸

۳- تفاوت در تغذیه کم غذائی و بدغذائی پدیده کشورهای در حال رشد است

میزان مصرف پروتئین. مقدار مصرف کالری در کانادا ۲۰۰۰ کالری در روز مصرف

سرانه است

در کانادا ۳۰۰۰، آمریکا شمالی ۳۱۰۰ در هلند ۳۰۰۰، انگلستان

۳۲۸۰

۴- میزان گسترش سواد. درجه عبا سواد در جمعیت ۱۵ ساله به بالا مراکش

۱۴ درصد در مصر ۲۶ در کانادا ۹۸- در آمریکا ۹۸ فرانسه ۹۷

۵- بهداشت. نسبت تخت بیمارستان به جمعیت - سهم افراد از خانه -

بهره مندی جمعی از وسائل ارتباط

۶- ملاکهای صرفاً اقتصادی

۷- ملاکهای غیر قابل تبدیل به عدد و رقم مانند ملاکهای روانی: اعتقاد به تقدیر

و سر نوشت

در جوامع کم رشد رایجتر است. حسن فردیت ضعیفتر، جاه طلبی کمتر
 عده ای از محققان کم رشدی را عامل تاریخی میدانند.

۱- عامل استعمار و استعمار نو به صورت تسلسلهای تجاری و صنعتی در جوامع کم

رشد و عدم تشکلیک بورژوازی و ایجاد شرایط در کشورهای در حال رشد

کم رشدی صفت ذاتی این کشورها نیست

بین کشور کم رشد و پیشرفته تفاوتها تنها از مقوله اقتصادی نیست بلکه مجموعه ای از

خصوصیات دیگری است که قسمت عمده آن اجتماعی است. در ماهیت توسعه

و کم توسعه بودن امر اجتماعی همانقدر اهمیت دارد که امر اقتصادی.

اگر بخواهیم توسعه اقتصادی داشته باشیم باید بموازات آن توسعه

اجتماعی داشته باشیم برنامه ریزی اجتماعی در اینجا مطرح میشود.

یکی از تحولاتی که در اندیشه صاحب نظران در سالهای اخیر بوجود آمده

که عقب ماندگی فقط نداشتن پول نیست. گسیده پول ندارد بلکه سلسله

خصوصیات روانی و اجتماعی هم گریبانگیر است. تغییر این حالت انجام پذیر

نیست مگر در خصوصیات اجتماعی و روانی هم درگونی حاصل شود. کشور رشد

کرده تنها از نظر سطح درآمد بالا تر نیست بلکه یک سلسله خصوصیات اجتماعی

فرهنگی و روانی در آن کشور هست که آنرا رشد کرده تلقی میکنند.

Development رشد = یعنی توسعه *change* تغییرات مطلوب

کشف چاه نفت در یک کشور آنرا یک کشور توسعه یافته نمیکند بلکه نحوه

تفکر مردم هم شرط است وقتی جامعه ای رشد کرده میشود که علاوه بر افزایش

سرانه درآمد در گونیهایی در ساخت اجتماعی و روانشناسی مردم لازمست.

تحقق چنین منظوری خود مستلزم طرح ریزی قبلی است و همین جهت برنامه ریزی

اجتماعی بعنوان جزو اساسی در برنامه ریزی اقتصادی ضروری شناخته شده

است کشورهایی که از نظر اقتصادی پیشرفته ترند از نظر اجتماعی هم پیشرفته ترند

یعنی نسبت با سواد و تحصیل کرده نسبت طبیب و تخت بیمارستان به جمعیت

و سایر برخورداریهای اجتماعی در آنها بالا تر است. اگر و کشور عقب مانده یکی

دارای زیربنای اجتماعی مساعد تری باشد و دیگر زیربنای اجتماعی نامساعد تری — داشته باشد مسلماً "کشور دسته اول پس از شروع رشد اقتصادی بسیار سریعتر پیشرفت خواهد کرد. رشد اقتصادی يك نوع دینام است و قوت بخش توسعه توسعه اقتصادی بسیاری از صاحب نظران به کشورهای در حال رشد توجه می کنند که این کشورها زیربنای اجتماعی و ساخت جامعه را در گون بکنند اگر چه پیش اقتصاد بخواهند.

لزوم اصلاحات ارضی — در گرونی ساخت جوامع فتوالی — تغییر مناسبات اجتماعی — تحقق وحدت ملی را بعنوان شرایط ضروری برای پیشرفت اقتصادی کاهش فواصل طبقاتی . توزیع عادلانه درآمد .

بوجود آوردن يك زیربنای اجتماعی شرط ضروری توسعه اقتصادی شناخته شده برنامه ریزی اجتماعی باید این زیربنای فراهم کند . نوع آموزش در مدرسه نوع پرورش خانوادگی هم در شرایط رشته اقتصادی مؤثر است *Leplay* لویله خانواده را باین صورت تقسیم میکند .

خانواده پدر سالار و سنت پرست مانند خانواده ایلی و هاتسی معمولاً "افراد را طبق الگوی گذشته تربیت میگرد .

خانواده شخصیت پرور مانند خانواده انگلیسی و آمریکایی که اتکاء بنفس را پرورش میدهد . چنین جامعه ای افراد را "مستقلا" میتوانند ابتکار کنند .

خانواده مرد دومتزلزل که به خانواده فرانسوی ولاتین که نه سنت پرست است و نه شخصیت پرور بطوریکه وابستگی بسیار زیاد است . در فرانسه که کارا داره رونق دارد علتش وابستگی در زمان کودکی است و یا طفیلی گیری .

حتی نوع روابط در خانواده مؤثر در نوع شخصیت افراد است که ممکن است مساعد یا نامساعد پیشرفت اقتصادی باشد .

هدف دوم برنامه ریزی که عبارتست بر خوردار ساختن مردم از ثمرات رشد و توسعه اقتصادی اجرای سیاست عدالت اجتماعی امروزی پذیرفته شد که هدف برنامه اقتصادی بهزیستی انسان است .

سوم) برنامه ریزی اجتماعی معطوف به این مطلب است که توسعه اقتصادی و صنعتی همیشه مطلوب نیست مثلاً "آلودگی محیط انسانی که ناشی از تمدن صنعتی و محیط فنی ماست برای زندگی بهتر باید به اجتماع توجه کرد و برنامه ریزی اصولی برای زندگی شهری بدهد که قابل تحمل شود.

برنامه ریزی اجتماعی از هر جهت مکمل برنامه ریزی اقتصادی است.

نخستین برنامه های ملی بیشتر جنبه اقتصادی صرف داشت. برنامه ریزی — بمعنای جدید از سالهای ۱۹۳۰ به بعد از شوروی آغاز شد.

پس از جنگ دوم برنامه ریزی اجتماعی در کشورهای غربی و جهان سوم آغاز شد در آسیای ایران، هندوستان، در آفریقای کبک و کشور.

در برنامه های اولیه اولویت کامل به تولید مادی داده شده است چون در آن زمان تمام تلاش در صنعتی شدن بود و باز ساختن ویرانه های جنگ و افزایش جنبه اقتصادی بود و امروز زمان توجه حاصل شد که برنامه ریزی توسعه اقتصادی و صنعتی بدون حرکت اجتماعی و فرهنگی بموازات آن مشکلات بسیار بار می آورد. وقتی برنامه ریزی اجتماعی را ضروری شمردند تحولاتی در برنامه ریزی مشاهده شد.

مرحله یک — برنامه ریزی اجتماعی جدا از برنامه ریزی اقتصادی

مرحله دوم — برنامه ریزی اجتماعی در جنب برنامه ریزی اقتصادی

مرحله سوم — آمیختگی کامل بین برنامه ریزی اقتصادی و اجتماعی یا برنامه ریزی توسعه و رشد کلی

این برنامه ریزی خود صورت مختلف دارد

نوع اول — برنامه ریزی خدمات اجتماعی شامل فرهنگ *P. A* و بهداشت

۲ — برنامه ریزی تامین اجتماعی شامل بیمه و بیمه های اجتماعی

۳ — برنامه ریزی تاسیسات و تسهیلات عمومی زندگی، تهیه مسکن شهروندان

سازی یعنی محیط فیزیکی را مساعد زیست انسان کردن

۴ — برنامه ریزی رفاه اجتماعی چه بمعنای خاص و چه بمعنای خاص گروه های

خاص — زنان ولگرد و معلولان روانی (دیوانگان) معلولان جسمانی .

۵ — برنامه ریزی معطوف به رفاه اجتماعی مانند برنامه ریزی اصلاحات ارضی از نظر اجتماعی .

۶ — برنامه ریزی مربوط به حمایت اجتماعی ، حفظ جامعه از مفاسد مانند اعتیاد بمواد مخدر و غیره

۷ — برنامه ریزی معطوف به تحرک جامعه — توسعه جامعه اصلاح جامعه از طریق برانگیختن خودیاری مردم

برنامه ریزی اجتماعی به اینها محدود نمیشود

مسائل مربوط به رفاه پیران — تنظیم اوقات فراغت

روش برنامه ریزی اجتماعی — برنامه ریزی اجتماعی در ابتدای کارش "د"

تحت تاثیر برنامه ریزی اقتصادی بود و این مطلب از چند جهت قابل توجیه است اولاً " بسیاری از برنامه ریزان اجتماعی از افقهای اقتصادی به اجتماعی آمده بودند .

ثانیاً " در این زمان هنوز ارزش اقتصادی برنامه های اجتماعی ضرورت دارد به عبارت بهتر

برای اقتناع وزیر دارائی کشور به اختصاص بودجه بیشتر به تعلیم و تربیت

ضرور بود که با زمان اقتصادی بودجه بنویسند (برنامه های اجتماعی)

۳ — بسیاری از اقتصاد شناسان از دیرباز فوائد برنامه های اقتصادی تعلیم

و تربیت بعداً " بهداشت و نظایر آنرا روشن کرده بودند (تعلیم و تربیت در

جهان امروز)

این کمک کرد که در آغاز کار اصطلاحات و مفاهیم و روشهای علوم اقتصادی

در برنامه ریزی اجتماعی پذیرفته شود مانند اصطلاحات سرمایه گذاری هزینه

سود ، مقایسه مزایای نسبی و غیره .

معذرت به تدریج برنامه ریزی اجتماعی از تبعیت الگوهای اقتصادی رهائی

میجوید .

در سراسر عالم چسبه کشورهای صنعتی وجه در حال رشد آگاهی مردم به امکانات زندگی آلوده تر، توسعه بیسابقه‌ای پیدا کرد به همین جهت مسئله فوق مردم نسبت به حداقل مزایای زندگی اجتماعی و اقتصادی مطرح شد. در انقلاب فرانسه مواجه هستیم با حقوق طبیعی فرد در اجتماع ولی این جامعه است که حقوق را برای افراد می‌شناسد منتهی جنبشهای گرایش بشر معطوف به فرد منفرد در اجتماع است یعنی خود از چه حقوقی بهره‌مند شود مانند حقوق داشتن عقیده ولی به مرور زمان (در قرن ما) است که حق افراد در برابر اجتماع پذیرفته میشود و «مقابل» فرائض جامعه فرد از لحاظ این حقوق.

اینجاست که شرایط اجتماعی برای همگان مطرح میشود سالها باید بگذرد تا حق درمان برای افراد شناخته شود و حق برخورداری از حداقل محل سکونت تا جائیکه منجر به اعلام توسعه اجتماعی میشود و ۲۰ واندی سال قبل موجب صدور اعلامیه حقوق بشر میشود.

پس وقتی بجای مقیاسهای اقتصادی اصل حق افراد را به نسبت بیکمیزان بهره‌مندی از اجتماع مطرح میکنیم. پذیرفته شدن حقوق اجتماعی برای همگان قبول این بود که تنها ملاکهای اقتصادی برابر برنامهریزی اجتماعی معتبر قرار داد.

ثانیا "بسیاری از برنامه‌های اجتماعی اثرات غیرقابل احتساب با معیاری کمی و پولی دارد مثلا "برنامهریزی فرهنگ. سیاست فرهنگی هدفش نوآوری فرهنگی — اشامه فرهنگ و احیای فرهنگ است و این برنامهریزی که بر این سیاست متکی است خواه ناخواه مسائلی مانند مطالعه کتاب، تاسیس موزه‌ها را در بر خواهد داشت آیا با معیارهای اقتصادی چگونه میشود برخورداری از هنر یا مطالعه کتاب را اندازه گیری کرد. بازده مسکن خیلی کمتر است تا سود حاصل از صنعت ولی دادن يك مسکن به فرد چه اثرات روحی دارد با معیارهای اجتماعی میشود تشخیص داد و آن احساس پیوستگی به اجتماع است.

تهیه مسکن و دادن مسکن مناسب کمک به بهبود زندگی خانوادگی میکند.

بامعیار اجتماعی میتوان این پیوند های اجتماعی را درك کرد .
 اثرات مثبت یا رفع اثرات منفی بامعیار های اقتصادی قابل احتساب نیست
 خانه اثر مهمی روی سلامت روانی فرد دارد و فقط بامعیار های اجتماعی
 در مورد بهداشت اگر افراد بیمار شوند این مقدار خرج دارو دارند و همینطور
 هزینه پیشگیری و یا اعمالا ریاء مقابل بسیاری از برنامه های اجتماعی احتساب
 اقتصادی برای آنها عملی نیست و یا اگر محاسبه شود تمام موارد آن مسئله
 را در بر نمیگیرد .

سوم — بهرور زمان در جنب مفاهیم اقتصادی مفاهیم تازه ای مانند سرمایه گذاری
 اجتماعی و شاخص توسعه اجتماعی بوجود آمده است که معیار رانه براقتصاد
 بلکه برمعیار های اجتماعی قرار میدهند .

چهارم — معذلك در برنامه ریزی اجتماعی هنوز تکیه بسیاری برملاکهای اقتصادی
 دیده میشود زیرا ناچار باید برنامه ریزی اجتماعی بعنوان جوتی از برنامه کلی
 رشد اقتصادی اجتماعی به پیشرفت اقتصادی کمک کند همانطور که متقابلا —
 جوانی جمعیت — بین جوانی جمعیت و گم رشدی رابطه ای است .

تست ورتها م موسوم به تست چمبیل در عدد است .

اگر در کشوری در عدد جمعیت کمتر از ۱ ساله بیشتر از . ۴ باشد
 میگوئیم جمعیت جوان است .

اگر در کشوری در عدد جمعیت کمتر از ۱ ساله کمتر از . ۴ در عدد باشد
 میگوئیم جمعیت سالخورده

سال	کشور	کمتر از ۱۵ ساله	۱۵-۶۴ ساله	۶۵ ساله و بالاتر
		درصد	درصد	درصد
۱۹۶۴	ژاپن	۲۶/۳	۶۷/۵	۶/۲
۱۹۶۵	آمریکا	۳۰/۸	۵۹/۹	۹/۳
۱۹۶۵	انگلیس	۲۲/۸	۶۵/-	۱۲/۲
۱۹۶۴	فرانسه	۲۴/۸	۶۲/-	۱۲/۴
۱۹۶۱	هند	۴۱/-	۵۵/۹	۳/۱
۱۹۶۰	پاکستان	۴۴/۵	۵۱/۱	۴/۲
۱۹۶۶	ایران	۴۶/۱	۵۰	۳/۹

کشور ایران در راه جوان شدن جمعیت است .

برنامه‌ریزی آموزش و پرورش هدف از سواد اینست که بین افراد یک‌نوع هم‌زمانی
بوجود آوریم .

میزان سواد در جمعیت ده ساله به بالا ۱۴/۹ درصد بوده

میزان سواد در جمعیت هفت ساله به بالا ۲۹/۴ درصد بوده

در سال ۴۵٪ در نقاط شهری افراد ده ساله و بالاتر سواد بودند

در سال ۴۵٪ در نقاط روستائی " " " " " "

در سال ۴۷٪ درصد سواد در ۶ سال به بالا ۴۴/۶ بوده است .

پیشرفت اقتصادی به توسط اجتماعی یاری میکند .

بی تردید هدف تعلیم و تربیت تنها پرورش کارگرایان نیست . تعلیم و تربیت باید فیلسوف روحانی — متفکر و محقق هم به بار بیآورد . ولی ناچار قسمت عمده برنامه T و T صرف احتیاج نیروی انسانی هر کشور میشود اینجاست که ملاکهای اقتصادی خواه ناخواه مطرح میشود . ملاکهای اجتماعی اقتصادی باین صورت میتوانند با هم تلفیق شوند ملاکهای اجتماعی تعیین میکنند که ما از کدام وضع اجتماعی به کدام وضع اجتماعی میخواهیم برسیم پس از روشن شدن مطالب در داخل آن ملاکهای اقتصادی — همچون ما خواهد بود .

اینکه باید مردم با سواد شوند اما یک جامعه میتواند سیاست اجتماعی اش اقتضا کند که تمام افراد کوچک و بزرگ با سواد شوند . در داخل این هدف حتما "باید ملاکهای اقتصادی را بکاربرد مثلا" در انتخاب راه و روش : مسکن است چند روش داشته باشیم مثل سواد آموزی سود بخش یا سواد فارغ از حرفه — کدامیک مرجح است اینجا باید ملاک اقتصادی را — در خالت داد .

ملاکهای اقتصادی بمانند اجازه نمیدهد که تمام گورها و گورها را با سواد کنیم بسیار گران هستند که نشان اقتصادی کند که سواد بیا موزند . آیا افراد سالخورده را بخاطر اینکه مولد نیستند باید دور ریخت .

منابع مطالعه : نشریات سازمان ملل و مؤسسات وابسته WHO سازمان

بهداشت جهانی در مورد برنامه ریزی بهداشت

OECD سازمان همکاریهای توسعه اقتصادی اروپا + ژاپن + آمریکا (کانادا)

در مورد برنامه ریزی نیروی انسانی

FAO سازمان بین المللی وابسته به سازمان ملل برای کشاورزی و خواربار

UNESCO سازمان تربیتی — علمی و فرهنگی ملل متحد در مورد برنامه ریزی —

آموزش و پرورش و فرهنگ

یونسف در مورد برنامه ریزی برای رفاه جوانان و کودکان ILO دفتر بین‌المللی کار برای برنامه ریزی اشتغال و نیروی انسانی .
منابع انسانی که مسائل عرضه نیروی انسانی و تقاضای نیروی انسانی و تعادل بین عرضه و تقاضای نیروی انسانی و استفاده حداکثر از نیروی عرضه شده .

تحت این عنوان از برنامه ریزی تعلیم و تربیت شروع می‌کنیم .
و موضوع جمعیت و برنامه ریزی جمعیت و در جهت تقاضای پیش‌بینی احتیاجات نیروی انسانی مورد توجه خواهند بود .
در مورد منابع مطالعه و مآخذ :
کنفرانس و سمینار نیروی انسانی و اشتغال وزارت کار و امور اجتماعی سازمان — برنامه

وزارت کار و کنفرانس ملی کار تشکیل داده که بصورت کتاب انتشار یافته
در سازمان برنامه و سمینار جنبه ملی داشته و یک سمینار به زبان فرانسه —
انگلیسی بوده با همکاری سازمان OECD (مرکز پاریس) سازمان همکاری — برای
توسعه اقتصادی — یکی هم منطقه‌ای است
ناصر موفقیان در شماره‌های قدیم اطاق صنایع و معادن راجع به نیروی انسانی
برنامه سوم و چهارم فعلی در این مورد دارد

تعلیم و تربیت در جهان امروز دکتر شاپور راسخ
است
برنامه ریزی اشتغال که یک جنبه از برنامه ریزی نیروی انسانی برای ده سال
آینده اشتغال جمعیت دنیا در نظر گرفته شده
برنامه ده ساله اشتغال برای آسیا : (بزرگان انگلیسی که در کنفرانس —
منطقه‌ای کار آسیا در تهران در سال جاری توزیع شد)

منابع انسانی *Human Resources*

در آغاز اصطلاحی که درباره نیروی ماهر و متخصصی که عامل اساسی -

تولید بکار می رفت اصطلاح *labor force*

این اصطلاح کاملاً جنبه اقتصادی داشت و منحصر " شامل کسانی میشدند -

که سهمی در تولید دارند بزودی در محافل جهانی *Man Power* مطرح

شد که علاوه بر اشخاص شاغل کسانی را که در نیروی کار وارد نیستند در بر می گرفت

در سالهای اخیر باز هم اصطلاحی عاصر متداول شده است بنام *Human Resources*

که در اینجا فقط دید اقتصادی حاکم نیست بلکه توجه به عامل انسانی هم

دارد که هم متوجه مشاغل است و هم متوجه آدم میان .

نیروی انسانی ، نیروی فعال آماده بکار یا شاغل است که کاری -

انتخاب آزاد و تمام وقت انجام میدهد کاری که موجب بروز و ظهور استعداد فردی

اوست .

امروز در سراسر دنیا وقتی صحبت از برنامه ریزی میشود یک سلسله

هدفها مطرح است که بعضی صرفاً " اقتصادیست مانند حداکثر رشد -

ثبات نسبی قیمتها . بالا بردن درآمد یا سطح رفاه مردم ولی علاوه بر این هدفها

در تمام دنیا برنامه ریزان هوشیارند به ضرورت پذیرش هدفهایی که از مقوله

اجتماعی و انسانی است .

چنین هدفهایی عبارتند از تعمیم رفاه و خدمات بین مردم ، توزیع

عادلانه درآمد و همچنین اشتغال هر چه بیشتر یا اشتغال تام با بهره بخشی کافی .

و هنر برنامه ریزد اینست که این هدفها را بطور متوازی بایکدیگر تلفیق بداند

وقتی صحبت از برنامه ریزی نیروی انسانی میشود در آن واحد چند موضوع برای

ما مطرح میشود .

۱- پرورش دادن افراد واجد مهارت و تخصصی که جنبه عرضه مطلب است و از -

طریق آموزش رسمی و آموزش کوتاه مدت دوره های تجدید مهارت حاصل میشود .

در جهت عرضه از دوا و محبت میشود *Education* که دراز مدت و -

و اساس است و *Training* که معمولاً "کوتاه مدت و متوجه يك حرفه بخصوصی" است (آموزشهای حرفهای و فنی و کوتاه مدت)

پروورش این مهارتها و تخصص یا از طریق *Education* است یا از طریق *Training* دومین جنبه امر عبارتست از تقاضای نیروی انسانی که ناشی است نه فقط از توسعه اقتصادی بلکه تحول اجتماعی. سابقاً "ذهن بیشتر متوجه اقتصاد تنها بود. بتدریج توجه حاصل شد که جامعه علاوه بر نیازهای اقتصادی — نیازهای دیگری دارد.

به زبان آرتور لوئیس (A. Lewis) که معاصر است و از اولین صاحب نظران رشد اقتصادی کشورهای در حال رشد است اودونوع آموزش قائل است.

۱- آنکه جنبه گالای تولید دارد

۲- آنچه که جنبه گالای مصرفی دارد

مثلاً "پروورش يك تكنسين جوشکار جنبه تولیدی دارد و آموزش ادبسی جنبه مصرفی

به نسبتی که جامعه از نیازهای اساسی فارغ میشود سایر نیازمندیها هم مطرح میشود که بنظر ما فوائد اقتصادی به جامعه میرسانند (افراد خطیب، مولد فرهنگ، شاعر، نویسنده) ولی ممکن است بهر هائی در کوتاه مدت قابل مقایسه با بازده يك مؤسسه حرفه‌ای و تربیت تکنسین جوشکار نباشد اما بازودی توجه به تعلیمات مصرفی هم نضج گرفت.

تقاضای نیروی انسانی محدود به تقاضای اقتصادی نمیشود

در هر جامعه ای نیروی انسانی همیشه افت دارد پس باید یک مقدار بیشتر پیش بینی کنیم تا مقدار عادی را تأمین بکنیم

موضوع مهاجرت نتیجتاً "ایجاب میکند در جهت تقاضای نیروی انسانی این مطلب در نظر گرفته بشود.

سوم — گماشتن افراد مهارت یافته و تخصص گرفته در مشاغل و فعالیتهای مناسب

در زمان مناسب و محل مناسب

توزیع بین بخشهای خصوصی و عمومی ، رعایت توزیع متناسب جغرافیائی است
چهارم - حسن استفاده از نیروی که بکار گرفته شده است در این مورد مسائل
ارتباط صحیح بین نیروی کار و مدیریت مطرح است موضوع مزد و مزایای دیگر
شغل و اقدامات شغلی . تأمین روانی و اجتماعی ، آزادی تحریر شغلی مطرح
است .

پنجم - بدست آوردن و پیش بینی کردن انگیزه ها است که افراد به همان مشاغلی
بروند که مورد تقاضای جامعه است عدم استقبال لیسانسیه های علوم از فرهنگ
نشانه پیش بینی نکردن انگیزه ها است .

ششم - ارزیابی و نظارت در استفاده از نیروی انسانی و ایجاد موجبات تمویجی
تجدید یا تکمیل مهارت برای انتقال به مدارج بالاتر یا مشاغل دیگر .

بانظری که مطرح شد استفاده حداکثر است از کلیه استعداد های
آدمیان و نه فقط مهارت های اقتصادی با توجه باینکه انسان هدف برنامه -
است اهمیت این برنامه روشن است .

اشتغال یکی از ابزار های عدالت اجتماعی است

بمناسبت همین اهمیت گشور هایی مانند آمریکا که برنامه ریزی جامع ندارند
معدلك به برنامه ریزی نیروی انسانی و اشتغال توجه کرده اند و رساله های
۷۰ تا ۸۰ پیش بینی نیروی انسانی صورت داده است

اصول این برنامه ریزی و روشها برنامه ریزی نیروی انسانی کد است ؟

ب - نیروی انسانی همیشه از پیش بینی آغاز شده یعنی پیش بینی رشد جمعیت ، رشد
جمعیت فعال پیش بینی رشد اقتصادی - مشاغلی که بر اثر رشد اقتصادی پدید
می آیند و رابطه و تناسب بین عرضه نیروی فعال و مشاغلی که بشهر و خواهد رسید
پیش بینی بیکاری و نظایر آنها .

پیش بینی مرحله نخستین است *forecasting* ولی مسلماً " کافی نیست برای

اینکه هدف برنامه تصرف در مسیر طبیعی امور است برای رسیدن به هدف مطلوب.

برنامه گذاری دگرمنو چه فرهنگ و فصل رفاه برنامه ریزی و توزیع بازار آزاد پیش بینی فقط بعنوان یک تشخیص اول مطرح است که به اجازه میدهند چه از جهت تقاضا و از جهت عرضه چه عدم تعادل‌هایی هست و برای چاره‌جویی اتخاذ تدابیری بگیریم.

مثلاً "در صنایع پتروشیمی، نیازهای انسانی و جمعیتی پیدا می‌کنیم ولی درجهت عرضه برای تامین نشده

برنامه ریزی وسیله است T و X را در جهت پاسخ‌گویی به نیروی انسانی تجهیز بگیریم بهمین جهت برنامه ریزی

ن - انسانی همراه است با T و T

ب - انسانی مستلزم 2 کاراساس است

اولا - "شناسائی وضع موجود از نظر انسانی

دوم - سنجش و ارزشیابی مسائل انسانی در حال حاضر

سوم - براساس شناسائی مذکور محاسبه احتیاجات احتمالی آینده در دوره

متوسط یا دراز مدت

روش برنامه ریزی منابع انسانی از جهت پیش بینی تقاضا

پیش بینی تقاضا خود دو جنبه کمی و کیفی را می‌پوشاند چه تعداد افراد مورد

نیاز است چه درجه از تخصصی و نوع تخصصی

در مورد برنامه ریزی م - ۱ - مثل سایر برنامه ریزی‌ها نخست باید وضع موجود

را شناخت

ثانیا "به سنجش تجزیه و تحلیل مسائل و چاره‌جویی مسائل در وضع موجود

پرداخت شناسائی وضع موجود مستلزم اینست که ما جمعیت، توزیع سنی و جنسی

نیست، نسبت جمعیت فعال و غیر فعال شهری و روستائی و نظایر این اطلاعات

د موگرافیک را داشته باشیم.

علاوه بر این ضروریست که اطلاعاتی در مورد ارتباط نیروی انسانی با اقتصاد بدست بیاوریم یعنی اطلاعاتی مثلاً "در مورد بهره‌وری سرانه، یکنفر در کشاورزی، صنعت و خدمات چقدر تولید میکند."

پس از شناسایی سنجش مطرح است. مطالبی را که بررسی میکنیم مانند میزان بیکاری - کم کاری بیکاریهای فصلی، آشکار، پنهان، بیکاریهای ناشی از پیشرفتهای تکنولوژی در یک بخش بخصوصی. کیفیت نیروی کار از لحاظ سواد تخصص گارائی در چرخه‌های گوناگون تخصصی مهارت هست. چرا - بعضی مشاغل مورد استقبال نیست با وجود احتیاج، آیا از افراد واجد مهارت و تخصص استفاده کافی میشوند یا نمیشود

(برنامه جهانی اشتغال: برنامه آسیائی کار)

دفتر بین‌المللی کار برنامه دهساله برای اشتغال در تمام دنیا طی ۱۹۷۰-۱۹۸۰ تهیه کرده است در این مطالعه نخست بررسی درباره وضع موجود شده است.

گزارش سازمان ملل متحد حاکی است که جمعیت جهان در سال ۶۰ در حدود ۳ میلیارد بود در ۱۹۷۰ ۶/۳ میلیارد و ۱۹۸۰ به ۵/۴ میلیارد نفر بالغ خواهد شد.

البته رشد جمعیت در کشورهای جهان سوم سریعتر از کشورهای پیشرفته بوده است بطوریکه در پایان این مدت مناطق در حال رشد دنیا ۲/۳ میلیارد نفر جمعیت خواهند داشت

در همین بررسی توزیع جمعیت میان شهر و روستا مطالعه شد و جریان شهرنشینی در حال حاضر مشخص شده است در مناطق پیشرفته طی دهسال گذشته جمعیت روستائی سالی ۵/۰٪ کم شده است و در آینده بر این اساس سالی ۶۵/۰٪ از روستائی کم و به شهری اضافه خواهد شد.

در مناطق در حال رشد - رشد جمعیت روستائی سالیانه ۷۵/۱٪ بوده است و برآورد شده که این آهنگ در آینده حفظ خواهد شد.

درباره جمعیت فعال و تحولش در آینده بررسی شد.

در ۱۹۷۰ از کل جمعیت ۳/۶ میلیارد نفر - ۱/۵ میلیارد نفر جمعیت فعال بحساب می‌آید یعنی تقریباً ۴۱٪ از این رقم یک میلیارد مربوط به کشورهای در حال رشد و ۵٪ میلیارد مربوط به کشورهای پیشرفته است.

از ۶۰ تا ۷۰ جمعیت فعال دنیا ۲۳ میلیون ۵ میلیون پیشرفته - ۱۸ میلیون در حال رشد و طی سالهای ۸۰-۷۰ جمعیت فعال سالی ۳۲ - میلیون بر جمعیت فعال اضافه شده ۵/۶ میلیون کشورهای پیشرفته ۲۶/۷ میلیون مربوط به کشورهای در حال رشد است.

در طی ده سال ۷۰-۸۰ باید برای ۲۶۷ ملیون نفر در آسیا و آفریقا و آمریکای جنوبی کار تهیه کرد به همین ترتیب جنبه‌های دیگر اشتغال در حال حاضر در دنیا بررسی شده است.

توزیع جمعیت فعال بین بخشهای مختلف (کشاورزی - صنایع - خدمات) و با مسائلی مربوط به بیکاری و کم کاری مورد بررسی قرار گرفته شماره ۱۲ - ۱۳ - ۱۵ ماهانه مرکز آمار ایران کنفرانس بین المللی کار (آسیائی)

اول - در برنامه ریزی نیروی انسانی شناسائی روالها اهمیت بسیار دارد مثلاً " روال = گرایش جمعیت با چه سرعتی رشد پیدا میکند . آیا انتقال جمعیت از سکتورهای مختلف بیکدیگر چگونه است کمتر از هشت ساعت کار هفتگی را کم کاری میگویند *Under employment* قسمت اعظم جمعیت ایران گرفتار کم کاریست

بعد مرحله برنامه ریزی است

برای بررسی احتیاجات آینده البته رجحان بر اینست که مابیش بینشی دراز مدت میگیریم برای آنکه بتوانیم برنامه T و T را با احتیاجات نیروی انسانی همساز و هماهنگ کنیم.

متأسفانه در عمل این برنامه ریزی مواجه با مشکلات بزرگیست . مشکل میتوان

تحولاتی را در این زمان طولانی بخصوص در کشورهای در حال رشد پیش بینی کرد چون اقتصاد اجتماع و تکنولوژی متحول است این سؤال مطرح است که آیا حقیقتاً "بعضی کارها در آینده بمعهد^ه ماشین گذاشته نخواهد شد .

پیش بینی برنامه ریزی نیروی انسانی در حد پنجاه سال ممکن است مفید باشد و در ورای ۵۰ سال پیش بینی با اشتباهات و خطاهای بسیاری همراه است. دومین ایراد بر برنامه ریزی دراز مدت : عدم توجه به روابط متقابل خود شاغل و مسئله جایگزینی بعضی از شغلها بجای شغلهای دیگر و پیدا شدن مشاغلی که در گذشته سابقه نداشته است امروز در عین حال که يك نظر بسیار کلی و برآورد بسیار ابتدایی راجع به آینده در ور میشود معذلك ترجیح رابه پیش بینی های نزدیک مدت ۳-۵ سال میدهند .

اما در مورد برنامه T و T که احتیاج به برنامه های بلند مدت دارد برنامه ریز باید بداند که در آینده حداقل چه بخشی توسعه بیشتر خواهد یافت .

ما میدانیم که امکانات توسعه صنایع پتروشیمی بیشتر از صنایع الکترونیک است در این برنامه ریزی T و T ممکن است بدانند اگر میزان رشد جمعیت ۳٪ رشد یابد و بعد کاهش داشته باشد احتمالاً "جمعیت ایران در آینده اینقدر خواهد شد و با توجه به منابع انسانی و طبیعی ایران احتمالاً" رشد در بخشهای الف - ب - ج - د بیشتر خواهد بود در بخشهای ه - و - ز .

البته اقتصاد ایران در جریان بعضی رشته ها پیشرفت بیشتری خواهد داشت . پس برنامه ریز T و T باید در همین حد قناعت کند .

پس برنامه ریزی دراز مدت نیروی انسانی فقط جهت گیرهای اساسی را میدهد در حالیکه در برنامه ریزی ۳-۵ ساله هست که باید دقیقاً "احتیاجات نیروی انسانی رابه رقم مشخص کرد .

راه تأسیس دوره های کوتاه مدت است که جنبه پل ساختن بین احتیاجات

و عزمه فعلی دارد .

این دوره ها ؛ فوق العاده برای اقتصاد متحول ایران با این تعلیم و تربیت
 ناساز مفید است تا در همان دوره برنامه مورد استفاده قرار گیرند .
را عمده های پیش بینی احتیاجات آینده

در این زمینه متدها متنوع است ؛ روشهای مختلف به شرایط اقتصادی
 و اجتماعی مختلف تطبیق میشود ساده ترین روش که از پیرایه بکار رفته است
 من جمله در ممالک در حال رشد اینست که مجموع اقتصاد را به دو بخش خصوصی
 و عمومی تقسیم میکنند .

آنچه که مربوط به بخش عمومی است میشود از مدیران احتیاجات —
 نیروی انسانی آنها را سؤال کرد .

مثلاً " پرسشنامه ای برای رؤسای کارگزینی فرستاد و پرسید شما در سال
 آینده چه احتیاجات نیروی انسانی دارید چه برای پر کردن کمبودهای فعلی
 چه برای جوابگویی به احتیاجات آینده — چه برای جایگزین افرادی که
 از بازار کار خارج میشوند

اگر بخش عمومی باشد پیش بینی احتیاجات سالهای بعد بسیار ساده خواهد
 بود

بخش خصوصی در داخل آن میتوانیم قائل به تفکیک بشویم . در آن دو نوع
 مؤسسه میتوان تشخیص داد کهن — مدرن

مؤسسات مدرن معمولاً " اطلاع بهتری راجع به احتیاجات پرسنلی خود دارند
 سکتور مدرن بخش خصوصی قادر است بر آورد آینده را بکند

بخش کهنه به علت عدم استفاده از مدیریت جدید سیاست کارگماری ندارند
 ناچار باید از طریق تحقیقات موضعی بر آورد هائی بدست آورد و قاعده کلی
 و اصولی در این مورد وجود ندارد .

در بعضی موارد قسمت کهنه بخش خصوصی را بعنوان ته مانده تلقی

میکنند میگویند فرغی میکنیم بقیه نیروی انسانی در این بخشها شاغل باشند .

پس روش اول پرسش از کارگزاراننده است *Employer*

برای بخش کهن بخش خصوصی باید به تخمینهای مقدماتی اکتفا کرد
این روشی بود که در برنامه عمران سوم مملکت بوسیله سازمان برنامه و وزارت کار
انجام شد

بررسی منابع و احتیاجات نیروی انسانی در ایران ۳۸-۱۳۳۷

روش مزدبگیری *Enterprise*

دومین روش پیش بینی تقاضای نیروی انسانی عبارتست از پایه گذاری

بر اساس تمایلات مشاهده شده در پیش که شامل این مراحل است

اول-- شناسائی توسعه گذشته مشاغل مورد نظر (بدست آوردن گرایش
در گذشته)

دوم-- شناختن رابطه میان شماره کارکنان مشاغل با عدد کارکنان کشور --

جمعیت کل کشور -- تولید کشور و اجزاء آن (مثلا " بدست آوردن اینکـه

۲٪ از مجموع کارکنان مادر فلان صنعت) " کوزه گری " هستند و این صنعت

این مقدار سهم در تولید ملی دارد

سوم -- با استفاده از یک معادله دگرگونی میشود با توجه به رشد جمعیت

و جمعیت فعال پیش بینی آینده را کرد . البته بلافاصله متوجه نقص این روش

میشویم یعنی آینده را مثل گذشته فرض کرده ایم . روابط بین بخشها ممکن

است بکلی تغییر یابد و از این گذشته همیشه در برنامه ریزی نظر بر تفسیـر

جریان طبیعی در جهت مطلوب هم هست . میخواهیم به تخصصها و جمعیت

فعال یک مسیری بدیم و این با پیش بینی ساده بر اساس روابط گذشته تطبیق

نمیکند .

روش بهتر و دقیقتر روش پارس ویکرمن است *Parnes Beckerman*

که از شناخت و تجزیه و تحلیل وضع کنونی شروع میکنند بعد یک پیش بینی رشد

جمعیت رشد نیروی انسانی و رشد جمعیت فعال برای سال آخر میدهند بین

جمعیت فعال و تولید ناخالص رابطه برقرار میکنند و بعد در صورتیکه پیش بینی رشد تولید و تولید ناخالص برای سال نهائی بشود . با فرض میزان بهره وری و افزایش آن در هر بخش و در کل بخشها میتوان به رقم اشتغال رسید و بعد در داخل هر بخش مشاغل مختلف با توجه به روابطی که بایکدیگر دارند تلقی میشوند .

مثال — در مورد کل بخشهای اقتصادی : فرض کنیم که در حال حاضر

۱۰۰ نفر جمعا "جمعیت فعال و شاغل باشد و این ۱۰۰ نفر ۱۰۰۰۰۰ دلار تولید دارند یعنی هر نفر ۱۰۰۰ واحد تولید میکند حال برنامه اقتصادی را تنظیم میکنیم و فرض میکنیم بعد از پنج سال این ۱۰۰۰۰۰ واحد تولید کل به ۲۰۰۰۰۰ دلار ظرف پنج سال برسد . یعنی دو برابر شود بر اساس محاسبات گذشته امان باین نتیجه رسیدیم که جمعیت فعال با ازدیاد تعلیم و تربیت بهبود تکنیکش میتواند قدرت تولید خود را سالی ۵٪ افزایش دهد یعنی ظرف ۵ سال حدود ۲۸٪

حال اگر در سال اول بهره وری نیروی کار را ۱۰۰۰ فرض کرده باشیم در سال آخر بجای ۱۰۰۰ ، $1000 + 28\%$ یعنی ۱۲۸۰ واحد در این سال مجموع تولید ۲۰۰۰۰۰ واحد است اگر $\frac{200000}{1280}$ کنیم معلوم میشود در سال نهائی چند نفر بکار باید بپردازند .

یعنی بجای ۱۰۰ نفر شاغل در سال نهائی ۱۵۸ نفر خواهیم داشت در مدت ۵ سال ۵۸ نفر به نیروی کار باید بیافزاییم .

این روش گرچه مزایائی دارد و در برنامه ریزیها مورد استفاده قرار میگیرد ¶ در ایران در برنامه ۴ مورد استفاده قرار گرفته ¶ ولی مثل روش قبلی مثل اینست که فرضی شده ساخت مشاغل در آینده مشابه ساخت فعلی خواهد بود .

بهروری در صنعت قابل اندازه گیریست ولی در بخش کشاورزی و خدمات —

محاسبه خیلی مشکل است .

روش سوم وارد کردن يك عنصر تازه و آن رابطهء بين سرمايه گذاری و اشتغال در بخشهای مختلف است مثلاً "فلان صنعت بخصوص فلان تعداد سرمايه گذاری همراه بوده است با ايجاد يك شغل تازه عده ای معتقدند از این طریق گه (رابطه در سرمايه گذاری و شغل موجود است) میتوان گفت باید اینقدر مهارت و شغل بوجود آید ولی محاسبه آن در مشاغل جزئی بسیار مشکل است .

از طرف دیگر در این روش مسلماً "پیش بینی نوآورهای تکنولوژیکی نمیشود معذلك این روش هم مانند روش قبلی مفید است ولی کافی و خالی از نقص نیست .

هیچ روشی که جامع جهات باشد نیست شاید بهترین روش این باشد که از طرق مختلف حساب کنیم و آنها را با یکدیگر تعدیل کنیم بایستد التیامی بین روشهای مختلف بوجود آوریم .

نقش نیروی انسانی در توسعه اقتصادی و نیروی انسانی از چهار جهت در توسعه اقتصادی موثر است .

۱- از جهت برخورداری از علم و فن و نیروی فنی و عالم اثرات اقتصادی مسلمی دارد (تخصص و مهارت داشتن) .

۲- تاثیر نیروی انسانی در توسعه اقتصادی از طریق مدیریت : مدیریت صحیح عامل مؤثری در تلفیق عوامل تولید ، مالکیت با مدیریت امروزه از هم جدا شده اند .

۳- تحقیق و نوآوری : عامل انسانی از راه تحقیق راههای جدید کشف میکند و بطور مستقیم در توسعه و گردش اقتصادی موثر است .

۴- عامل فرهنگ و خصوصیات اخلاقی شیوه برخورد با کار : بدیهی است که جامعه قضا و قدری باشد یا مبتنی بر کار و کوشش در شیوه برخورد با کار موثر است .

در گذشته تعداد کارگر

مارکس منشاء توسعه را بر مبنای کار قرار میداد ولی خودش کار را محدود و به —
ساعات کار میگذاشت و محدود به دانش فزونتر نمی دادند .
نظریه تازه : نیروی کار را از جهت کمی نگاه نمی کنند و از نظر کیفی بیشتر توجه
میکند .

مسائل نیروی انسانی ایران از دیدگاه تخصصی

۱- فراوانی بیسوادى وعدم مهارت در نیروی تخصصی ایران ۷۵ درصد نیروی کار کشور بیسوادند

۲- عدم تطابق قسمتی از مهارت‌ها و دانش‌ها با نیازمندیهای مملکتی؛ یا عدم استفاده از مهارت‌ها و دانش‌ها

۳- از مهندسين کشاورزی ۸۶٪ در بخش خدمات کار میکنند

۳- تمرکز شدید افراد تحصیل کرده در بخش خدمات خصوصاً "خدمات دولتی" ۹/۹ درصد متخصصین در بخش صنعتی

۴- کمبود نیروی زن در جمعیت فعال ولی وجود گرایش میان زنان تحصیل کرده بکار

کارکنان زن ۸ درصد ابتدائی ۵۲٪ متوسط ۸۵٪ عالی

۵- کارگودکان و پائین بودن بهره‌وری کار کشاورزان

۶- استفاده از نیروی کار خارجی در سطح تکسین

۷- کمبود قابل ملاحظه افراد کاردان در سطح تکسین

۸- بیکاری آشکار در ایران مهم نیست ۳ درصد است بیکاری پنهان در مملکت ما بسیار بچشم می‌خورد

اشتغال و سیاست اشتغال

۱- عوامل موثر در سیاست اشتغال

۲- سیاست اشتغال در ایران

۳- اهمیت سیاست اشتغال

پس: عبارتست از مجموعه‌ای از روش‌ها و عواملی که میزان اشتغال تام را از آن راه‌ها میتوان نزدیک شد و موثر خواهد بود در تأمین و رفاه اجتماعی

عوامل: عوامل خارجی و داخلی

سیاست اشتغال: مجموعه تدابیری که حداکثر شغل‌های مولد و تأمین‌کننده معاش با آزادی انتخاب شده را بوجود آورد. بوجود آوردن شغل‌هایی که مولد باشد و افراد به آزادی شغل برگزیده باشند ثالثاً "تأمین معاش افراد را بکند و حداکثر افراد را شامل شود."

شغل: فعالیت اصلی است که وسیله تأمین زندگی یا معشیت افراد است اهمیت سیاست اشتغال از نظر اجتماعی و اقتصادی بسیار مهم است از نظر اقتصادی چون انسان عامل تولید است از نظر اجتماعی چون انسان عامل توزیع است.

عوامل موثر در سیاست اشتغال ۱- عوامل مربوط به روابط خارجی
۲- عوامل مربوط به روابط داخلی روابط خارجی مانند: استثمار یا استعمارنو - عدم رعایت عدالت در روابط با کشورهای در حال رشد. ظلم بازرگانی بین المللی.

دوم - موضوع کار و کارکن خارجی در کشور

سوم - وارد کردن غیر مستقیم نیروی کار خارجی بصورت کالای نیم ساخته یا تمام ساخته

امریمه - اگر حمایت بیمه در داخل مملکت نباشد. با وارد کردن کالای خارجی خود بخود بیمه خارجی را وارد کرده ایم.

عوامل داخلی: اشتغال حاصل نمیشود مگر آنکه تولید روبه افزایش برود تولید افزایش نمی یابد مگر با اتوماسیون کامل باید یک سیاست بهره‌وری

داشت *Productivity*

سوم - سیاست مزد که عامل مهمی در امر اشتغال است.

آموزش حرفه و فن وسیله ایست برای اجرای سیاست اشتغال. در مورد نیروی انسانی

مطالعه‌ای در سال ۳۷ آغاز شد در ۳۸ به نتیجه رسید بوسیله وزارت کار و سازمان برنامه . مشاوران آمریکای تحت عنوان "بررسی منابع و احتیاجات نیروی انسانی کشور" که بر اساس پرسشنامه از کارفرمایان است . در هنگام تنظیم ب سوم

در ب چهارم - از روش فرانسویها استفاده شد : این روش شروع میشود با پیش بینی افزایش قیمت

$$\begin{array}{rcl}
 ۲- پیش بینی جمعیت فعال & \frac{۱۳۵۱}{x+a} & \frac{۱۳۴۶}{x} \\
 & x+a & جمعیت کل \\
 & & جمعیت فعال
 \end{array}$$

برای بدست آوردن جمعیت فعال یگنوع تخمین هائی زدند .

۱- با توسعه تعلیمات ابتدائی و متوسطه عد های به تعلیمات روی می آورند و کمترین کار روی خواهند آورد . هنگام تهیه برنامه پیش بینی هائی برای رشد اقتصادی بود با سه فرضیه شروع شد ۶ و ۷ و ۸ درصد رشد اقتصادی ۸ درصد رشد تولید ملی را ظرف پنج سال پیش بینی کردند مثلاً "۱۰۰ میلیارد پس از پنج سال به ۱۴۵ میلیارد ریال خواهد رسید . با جمعیت فعال ۱۰۰ میلیارد ریال $\frac{۱۰۰}{x}$ یعنی هر فرد اینقدر تولید می کرد پس از پنج سال ۱۴۵ میلیارد ریال تولید را چند نفر تولید خواهند کرد معلوم است که در این مدت بهره وری اضافه شده چون آماری در این مورد نداشتیم کشور هند وستان و ترکیه را محاسبه کردیم که بهره وریشان چقدر افزایش می یافته پس از ۱۴۵ میلیارد ریال مقداری را مربوط به بهره وری دانستیم ۱۴۵ میلیارد اعدادی بیشتر از ۱۰۰ نفر بدست آورده اند . و به رقم ۹۹٪ شاغل و ۱٪ غیر شاغل رسیدند

۲ نفر بر اثر کسین از بازار کار خارج میشوند بهره وری تولید شاغل در سال
 ۱۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰
 ۱۲۸۰۰ ۲۰۰۰۰۰ ؟

$$۲۰۰۰۰۰ \div ۱۲۸۰۰ = ۱۵ + ۲ = ۱۷$$

↓
 Replacement

طریقه دیگر محاسبه : بررسی شد که سرمایه گذاری ها قاعدتاً "چه مقدار شاغل ایجاد میکنند

روشهای برنامه ریزی نیروی انسانی

۱- پرسش احتیاجات از کارفرما

۲- روشی که براساس تمایلات گذشته و با توجه از معادله رگرسیونی انجام پذیر است

۳- روش برنامه چهارم ایران که پیش بینی جمعیت و جمعیت فعال - پیش بینی تولید ناخالص در سال نهائی پیش بینی افزایش بهره وری سرانه رسیدن به کل اشتغال و اشتغال کلی به میزان بیکاری در جمعیت فعال .

۴- روش برقراری رابطه است بین سرمایه گذاری و اشتغال که محاسبه رابطه در بخش دولتی بسیار آسان است آنچه مربوط به بخش خصوصی است کار را دشوار میکند این متد کافی نیست بگذریم از آنکه تحولات فنی خیلی از پیش بینی ها را کهنه میکند .

برای برقراری رابطه بین احتیاجات نیروی انسانی و عرضه نیروی انسانی و تأمین T و T لازم جهت پاسخ گوئی به آن نیازها روشهای وجود دارد

ب T و T : امروز بصورت محدود مطرح نیست . تنها بدمرسه نمی اندیشند مجموع وسائل انتقال اندیشه و اندیشه ها را در برنامه می گنجانند . برنامه ریزی باید جامع باشد و تمام صور T و ρ را در برگیرد .

۲- تمایل ب ریزی بیش از پیش براین است که نه تنها کمیت رابطه کیفیت را ملحوظ نداریم کمیت تنها بسادگی شوازی ببارمی آورد و حتی فشار روی کمیست غالباً " موجب کمبود و کاهش کیفیت میشود افت تحصیلی - رفوزگی و کمبود سواد مطرح میشود .

۳- ب ریزی در آغاز پیدایش منفک از برنامه ریزی کلی رشد ملی بود . یعنی مستقلاً " بدمرسه بودن تعدادی از شاگردان و مدرسه و ساختمان و مملکت را مورد نظر داشت ولی امروز ب ریزی از جهت ارتباط با رشد ملی مورد نظر است . وسیله های اساسی است برای نیل به هدفهای ملی .

رشد ملی تنها توسعه اقتصادی نیست. ب T و T وسیله ایست مهم برای نیل به هدفهای ملی و منظور نیست که فقط کارگرتگسین و مهندسی پیورانیم. جامعه نیازمند فیلسوف و متفکر در T و T هم هست نیازمند به نقاش و موسیقیدان هم هست.

در هر جامعه‌ای در یک زمان و شرایط خاص اولویتهایی مطرح میشود این اولویت‌ها را مردم پارلمان، رهبران تعیین میکنند مثلاً "تضمیم میگیرد سطح درآمد مردم بالا رود و یا از یوغ استعمار برهند پس هرگز تسورنگنیم که اولویت زمان نفی ارزشهای غیر اقتصادی است.

فکر نکنیم که وقتی میگوئیم در زمانی اولویتهای اقتصادی مطرح باشد به نقش افراد در غیر ارزشهای اقتصادی توجه نشود ۱۳/۵٪ تعلیمات متوسطه در سالهای اخیر رشد میکند ولی تعلیمات حرفه ۳/۵٪ رابخود جذب نکرده.

۴- T و T همانطور که از جهت افقی امروزه گسترش یافته و به تعلیمات —

مدرسه‌ای اکتفا نمی‌کند از نظر عمودی یعنی زمان باید گسترش یابد

Open University دانشگاه باز که ورود برای همه افراد آزاد است

ب ریزی امروز در زمینه T و T به جامعیت می‌نگرد یعنی انواع وسایل و روشهای تأثیر در ذهن آدمی را اعم از اینکه در مدرسه یا در خارج از مدرسه باشد در همه سطوح

اصل استمرار T و T پذیرفته شده است و اصل سوم این است که T و T امروز تنها از جهت کمی برنامه ریزی نمیشود بلکه از جهت کیفی هم مورد توجه است.

یکی از فصلهای خوب کتاب تعلیم و تربیت در جهان امروز بحث از نظر کمی و کیفی است.

در برنامه ریزی کمی بایک سلسله افتها و امرافتهای منابع مواجه میکند لذا لازمت به جنبه کیفی نظر بشود و این کیفیت در آن مقاله از سه جهت مطالعه شده.

۱- یکی کیفیت خصوصاً "تربیتی (پداگوژیک) روش تدریس - سازمان مدرسه کتاب یعنی آنچه نظام A و P را تشکیل میدهد چنان باشد که شاگرد هرچه بیشتر بیاموزد. توجه به حافظه نیست برای آنکه حافظه فقط جلوه‌ای از مثلاً هرزمنی است. T و T میخواهند ذهن را مبتکر و متصرف باریاورد که قدرت تجزیه و تحلیل داشته باشد نه یک انبار غیرمتصرف و غیرفعال.

جنبه دوم کیفیت به اعتبار سودمندی اقتصادی است یعنی T و T باید بانی سازماندهی و رعرعه اقتصاد موافق و منطبق باشد گفتیم که T و T از سه نظر میتوان اقتصادی دانست.

۱- یکی از لحاظ افزایش درآمد فرد اصطلاح *Return of colneat* یا *profitability of* را می‌شنویم منظور آنست که آیا مقدار سرمایه‌ای که

ف. یکنفر انسان شده در طول عمر و اقتصادی هست یا نه من اگر بیسواد باشم طی ۵۰ سال کار روزی ۱۰ تومان بطور متوسط درآمد دارم اگر بمدرسه بروم و مثلاً "برای تحصیلات تا سطح عالی ۵۰ هزار تومان خرج کنم درآمد من در طول ۴۰ سال گارسه یاد و برابر میشود مثلاً "به روزن ۳۰ یا ۴۰ تومان بالغ میشود.

کاملاً "عملی است که مقایسه کنیم سرمایه اولی را که صرف ۱۲ سال تحصیلات کردیم یا تفاوت درآمد فرد در طول عمر نسبت به آدم بی بهره از T و T و اگر این حساب را بکنیم (ممکن است البته یک سطح از تعلیمات اقتصادی نباشد) مثلاً "تعلیمات متوسطه فی‌الذاته اقتصادی نیست چون افراد غیر متخصص هستند.

پس این محاسبه سود بخش برای هر سطحی باید جداگانه صورت گیرد.

تحصیلات در مجموع بدون در نظر گرفتن استثنائات

دومین وسیله روشن کردن ارزش اقتصادی T و T اینست که ارتباطش

رابطه تأمین نیروی انسانی مورد نیازسنجیم (*Man power approach*)

برخورد بموضوع از طریق نیروی انسانی (در این صورت T و T عدد در عدد —

اقتصادی است . یعنی انسانی که عدد در عدد مولد عوامل تولید است سومین

راه سنجش جنبه اقتصادی و مقایسه هزینه و سود T و T Cost *benefit*

است در مقایسه با سرمایه گذاریهای دیگر T و T Cost *benefit* *Analysis*

را از جهت کیفیت میتوان مورد توجه قرار داده و آن از لحاظ تغییر نظام —

اجتماعی است تا چه اند T و T تفید هندهء نظام اجتماعی است .

T و T که سبب تحرك جامعه نشود فاقد کیفیت است . پس T و T میخواهیم

که از جهت برون و از جهت درون دارای کیفیت باشد (در اینجا باید از —

شتابزدگی در تعلیم و تربیت خودداری کنیم) .

اینجاست که وقتی مدلهای کمی T و T را بکار میبریم هرگز باید —

کیفیت را فراموش نکنیم کیفیت T و T وابسته باین چند عامل است .

T و T یعنی کی چه چیزی را چگونه با چه وسائلی بچه کسی آموخت

و برای چه در کجا و در قالب چه سازمانی .

T و T در درجه اول کیفیتش موکول بهی است .

دوم — به محتوای آموزش اگر محتوای *سنگین* نگهانه باشد یعنی علم فیزیک و شیمی

قبل از جنگ بیاهوزیم آن محتوای کهنه است .

سوم — روش آموزش بصورت مشاهده و مشارکت و گفتگو

چهارم — کیفیت وابسته به وسایل و لوازم است بچه باید عملاً " کارها را یاد

بگیرد .

پنجم — خود شاگرد — تراکم شاگرد در کلاس نا هماهنگ بودن سطوح —

(از کودن یا پیشرفته)

جامعه باید مخلوط باشد ولی مخلوط متماثل

سیستم امتحانات که روی حافظه تکیه میکند بکلی فاقد کیفیت است

هماهنگی بین تفاهم شاگردان در کلاس باشد

روشن باید فعال باشد

این افراد (معلم و شاگرد) در قالب يك سازمان و برای رسیدن به هدفی عمل میکنند اگر تمام شاگردان از يك چنل *Chanel* بروند نیازهای متنوع رانمی تواند پاسخ دهند

اگر کسی به ریاضیات رفت باید امکان داشته باشد مسیر خود را عوضی کند .
نظام A و P باید منعطف باشد .

مسئله مدیر در A و P بسیار مهم است .

دیگر هدف A و P است که نمی تواند که این هدف فارغ از مقتضیات - فرهنگ و هنر و سیاست دنیای تکنیک باشد .

هدف تعلیمات متوسطه اینست که واقعا " بشیر نمی رسد مگر آنکه -
تعلیمات عالیه را بدنبال داشته باشد .

روشن برنامه ریزی T و T جهت اقتصادی T و T را از سه نظر میشود نگریست .

۱- از نظر فراتر بردن نیازهای انسانی

۲- افزایش فرد

۳- از جهت سود و زیان در مقابل سایر انواع سرمایه گذاری

در روشن برنامه ریزی T و T هم این موضوع مطرح است و بسیاری

از متخصصان بر جهت برآورد نیازهای انسانی را مرجع میدانند .

برنامه ریزی T و T باید دراز مدت باشد چون تایک مهندس بدست

آید باید ۱۶ سال وقت صرف کرد معذلك با توجه به نیازهای دراز مدت -

که بطور تخمین میتوان برآورد کرد برنامه ریزی T و T انجام میگیرد .

کار برنامه ریز T و T تطبیقی عرضه و تقاضا با توجه به افتهای بین راه

است و همچنین رفتن به شاخصها و رشته های دیگری
Main Power Appraed رویکرد به نیروی انسانی .

علاوه بر تخمین یا تقریبی بودن يك اشکال عمده دارد و آن عدم توجه

است به نیازهای غیرتولیدی پس نباید به دید تنگ اقتصادی به *Man Power* نگاه کنیم.

۱- اماروشهای *Cost benefit* که خیلی رواج پیدا کرده از لحاظ محاسبه برای کشورهای در حال رشد خیلی آسان نیست و روش *Return of Education* یا افزایش درآمد فرد در اثر تعلیم و تربیت که آنهم با کمبود آمارها محاسبه اش آسان نیست، کمبودها را در کوتاه مدت نشان میدهند. آنچه که امروز به صورت کمبود است لزوماً فردا باین صورت نخواهد بود ممکن است حتی یک بخش مناسب از اعتبار بیاقتد ناچار دستمزد هم در آن بخش کاهش مییابد.

بدینجهت معمولاً "توجه به نیازهای نیروی انسانی که بطور تخمین قابل حساب است راهنمای بهتری برای برنامه ریزی تعلیم و تربیت است. تکنیک برنامه ریزی

اولاً "باید جمعیت فعلی را شناخت، جمعیت لازم التعلیم - تعداد افرادیکه بمدرسه میروند - نسبتشان - تعداد افرادیکه بمدرسه نمیروند - ونسبتشان - تعداد شاگرد به معلم ونسبتشان هزینه آموزش و پرورش در سطوح و انواع مختلف - خلاصه شناخت وضع موجود اول یک تصویر کمی و کیفی از وضع موجود

دوم تعیین وضع مطلوب یعنی مدل توسعه و تعلیم و تربیت مدالتهای آینده یا ده سال بعد کجا باید باشیم؟ میباید آن مقایسه های بین المللی که در این مقادیر است بهترین نمونه اش آنست که یونسکو برای آسیا آفریقا تهیه کرده است. یونسکو کشورهای منطقه را چهار گروه کرده پیشرفته، بالنسبه پیشرفته - در حال پیشرفته و عقب مانده و برای هر یک الگوهائی تعیین کرده

Asian Model

ایران در گروه دوم است.

الگوها عبارتست از اینکه: در چند سال بچه‌ها را بدرسه ابتدائی کامل ببرند
چند درصد به متوسطه بروند — چند درصد در متوسطه حرفه‌ای و عمومی تقسیم
شوند — چند درصد به تعلیمات عالی راه یابند — در تعلیمات عالی سهم علمی
و نظری چگونه باشد —

مدل اینست که هر جامعه مقتضیات خودش را دارد
این مدل‌ها را هنمایی کلی است باید منطبق با احتیاجات مملکت کرد اینجا است
که مدل نیروی انسانی مطرح میشود .

نماین این مدل باید یک مقدار نرم یا ضابطه بدیم مثلاً " این منطقی
است که ۳ شاگرد به یک معلم باشد یا نه باید در این مورد فکر کرد .

سومین قسمت — مقایسه وضع موجود با وضع مطلوب است و تعیین مراحل راه
سال اول — سال دوم و تا آخر چقدر باید شاگرد داشته باشیم
۴ — سنجش هزینه — نرمهای هزینه را قبلاً داشتیم از راه هزینه‌های جاری
و غیر جاری یعنی هزینه سرانه

پس انقدر شاگرد سال اول هزینه‌اش انقدر تا سال آخر . آیا چنین بودجه‌ای
داریم . در این موقع باید یا هدف را پائین بیاوریم و یا کارائی و بهره‌وری را بالا
ببریم .

پس تعیین برنامه کلی

۵ — تعیین طرحها و زمان و محل اجرای آنست

فرضی — ۳ هزار نفر را سال اول برده ایم باید پیش بینی هزینه را بکنیم برای هر
سال و برای هر تعداد بطور تفکیک .

عرضه و تقاضای نیروی انسانی . استفاده عملی از نیروی انسانی ماهر

و متخصص عرضه شده یکی از مسائل اساسی برنامه منابع انسانی است *Utilization*

کسانی را که از دستگاه آموزش و پرورش بمعنی اعم از دوره‌های کوتاه

مدت و بلند مدت بیرون بیاورند محاسبه میکنیم . بعد از اافت

معنی این تعادل نظری اعم از آنکه کمی باشد یا کیفی معذ لك لزوماً

این تعادل در عمل حاصل نخواهد شد زیرا اولاً "ممکن است عدم تعادل —
جغرافیائی پدید آید .

ثانیاً "ممکن است انگیزه‌های لازم برای نیروی عرضه شده نباشد که بسوی
موارد تقاضا روی بیاورد مثلاً" . . . ۱ معلم میخواهیم در شهرولی لیسانسیه
فیزیک و شیمی رغبتی به شغل معلمی ندارد بعلمت فقدان انگیزه‌های معلمی
پس مسئله انگیزه مادی یعنی مزد چه انگیزه معنوی مطرح میشود .

سوم — ممکن است بعلمی بعضی از بخشهای اقتصاد بروی تحصیل کردن گان
بازتربیه بعضی بسته تر باشد

در تحقیق مربوط به پلی تکنیک معلوم شد اکثریت بمشاغل خدمات دولتی
و اداری پرداخته و قسمت اعظم مقیم تهران شده اند و بطور کلی خدمات
غیرتولیدی دولتی .

در مقابل بررسیهای دیگر شده حاکی است که بخش خصوصی ایران
چندان پذیرای تحصیل کردن گان عالی نیست خصوصاً "بخش غیرمدرن —
خصوصی .

نظراً "بر اساس احتیاجات واقعی که بر اساس نرمه‌باید ست آورد ایم میگوئیم
این اندازه مهندس داریم در حالیکه اکثر در تهران و در خدمات دولتی غیر —
تولید و ثالثاً " این افراد مسیری غیر از مسیری که برای او در نظر داشته اند پیمود .
پس اگر برنامه دقیق در مورد عرضه نیروی ماهر داشته باشیم داشتن
یک سیاست استفاده مهم است سیاست حسن استفاده از نیروی پرورده و ماهر .
در مجامع علمی به سیاستهای استفاده موه ثروتمند توجه بسیار میشود .
اینجاست که وارد عرضه سیاست تشویقی و دستمزد و مسئله رفاه کارگری میشویم .
در اینجا مسئله بهره وری مطرح میشود .

بهره بخشی از احتساب مجموع تولید بر تعداد کارگر بدست میآید .
بهره وری مسئلهای مهم از عالم صنعت و اقتصاد است چون توجه یافته اند که در
کشورهای در حال رشد بسیار ظرفیتهای بلااستفاده وجود دارد این ظرفیتهای

ممکن است کارگاهی باشد که با روشیافت کردن بتوان از آن بهره بیشتری برد .
 ولی بهره وری در درجه اول به آگاهی و دانش فنی مرتبط است . کارگر
 مطلع کمتر اشتباه میکند و کمتر مواد اولیه را صنایع میکند یا بر میزان وقابلیت
 هر فرد کارگربیا فزائیم . خواه ناخواه مسئله تکنیک و تکنولوژی هم مطرح
 میشود که چه نوع ابزاری مورد استفاده قرار میگیرد .
 بهروری ارتباط مؤثری با خود تولید دارد با آموزشهای ضمن کار —
 قدرت کارائی را افزایش بدیم میتوانیم بازده را اضافه کنیم .

برنامه ریزی در باب بهداشت و بهداشتی

چرا اصولاً " برنامه ریزی بهداشت و بهداشتی بعنوان جزو ضروری

برنامه توسعه اقتصادی تلقی میشود ؟

عامل انسانی و نیروی انسانی از عوامل اساسی تولید است .

بهداشت و بهداشتی این نیروی انسانی را حفظ میکند . ارتقاء و بهبود میبخشد

موانع از اتلاف نیروی انسانی میشود پس در رشته اقتصادی مؤثر می افتد .

قابلیت کار انسان وابستگی کامل به تندرستی انسان دارد و ایمن

تندرستی و بهداشت و بهداشتی تضمین میکند .

مالاریای بیماری بومی است . در مصر با احداث سد های بیماری پیوک

رواج پیدا کرده هر کدام از این بیماریها حساب شده که چه مقدار نیروی

انسانی را تلف میکند .

وجود مالاریا سبب شده بود که صنعت تورسم در شمال ترقی نکند .

مالاریای بومی شمال میلیون ها نیروی انسانی را تلف میکرد .

Rehabilitation توان بخشی

دوم - توسعه اقتصادی يك سلسله مسائل بهداشتی مطرح میکند مانند

آلودگی هوا و آب و ناچار باید چاره جوئی کنیم . بهداشت و ب وسیله ایست

برای حل مشکلات و مسائل ناشی از توسعه اقتصادی .

سوم - خانواده ، پرورشگر فرد است خانواده افزایش جمعیت است

و مؤثر در توسعه اقتصادی و بهداشت و ب از طریق خانواده جامعه

و اقتصادش را تحت تأثیر قرار میدهد .

مثال : اقدامات اصلاح نژاد : گواهی صحت مزاج برای ازدواج

اگرچه آدم بیمار پروانه ازدواج داده شود مسلماً " افراد سربار جامعه بوجود -

خواهد آورد یا بعلت نقص عضو یا مغزی و غیره .

برنامه ب خانواده و نظارت در ولادت کمک به بهبود معشیت خانواده میکند

ب کودکان و مادر که نقش مؤثری در وضع جامعه آینده دارد .

بالاخره هر برنامه ریزی و هر توسعه اقتصادی هدفش اعتلا انسان است.
 بهزیستی انسان است پس يك انسان رنج مند و درد کش معادتی نیست
 بهداشت يك اعتبار وسیله و به اعتبار دیگر هدفی است
 بهمین جهت امروز ب و ب از ارکان برنامه ریزی اقتصادی و اجتماعی
 تلقی میشود .

تعریف بهداشت و بهداری و زمینه‌هایی که برنامه ریزی بر آن اعمال میشود
 زمینه‌های برنامه ریزی : این زمینه‌ها چند گونه است .
 اولاً " مبارزه و ریشه کن بیماریها ؛ بسیاری از کشورهای فقیر گرفتار بیماریهای
 بومی هستند و گاهی تمام ممالك گرفتار بیماریهای عفونی میشوند که باید جلوگیری
 شود .

دوم درمان بیماریها ؛ معمولاً " وقتی کلمه بهداری میشود به مداوای بیمار ^{گفته}ان
 توجه میشود .
 امروز این نتیجه حاصل شده که باید افراد را برای مقابله با بیماری آماد ه کرد و این مستلزم سه گونه
 برنامه است با آموزش و بهداشت و پیشگیری

۱- آموزش . بمعنی تعلیم اصول بهداشت و تندرستی به عموم مردم و پیشگیری
 و دفع بیماریها مؤثر است .

۲- بهداشت کلمه عامی است . و معمولاً " شامل بهداشت آب - غذا -
 بهداشت مسکن و بهداشت محیط میشود و مراد از آن اینست که شرایط محیط
 زیستی خود را بنحوی کنیم که مساعد با حفظ سلامت و ارتقاء سلامت ما بشود .
 بهداشت محیط ؛ محیط کلی زیست انسان (اعم از شهر و روستائی) يك
 سلسله مسائل را مطرح میکند که باید چاره جوئی شود و محیط را آماد ه زیست

<i>Environmental Sanitation</i>	بهداشت محیط	}	بهبود و خوشترکرد
			بهبودی محیط

۵- پیشگیری : سه نوع فعالیت در سه زمینه است که کمک به تحقیق هدفهای
 بهداشت و بهداری میکند پیشگیری بیماری طرق متعدد دارد ممکن است به صورت
 تغذیه باشد یا تلقیح باشد و هزینه آن خیلی کمتر از هزینه درمان است .

تمام برنامه‌های رفاه اجتماعی درد نیابطرف پیشگیری می‌روند سعی می‌کند مسئله اصلاً "بوجود نیاید علاوه براین زمینه .

۶- توان بخشی است؛ که در اجتماع عدّه‌ای افراد معلول و ناقص العضو هستند که نباید آنها را رها کرد باید آنها به اعضای مفیدی تبدیل کرد .

۷- پرورش و آموزش متخصصین است

۸- تحقیقات است که پزشکی است و مبادله اطلاعات پزشکی و بهداشتی بهداری و دفعی دارد دریک معنی مجموعه زمینه‌های فوق الذکر را می‌پوشاند گاه بمعنی خاصی بکار می‌رود که عبارت از معالجه بیماران و جنبه پزشکی و درمانی را مطرح می‌کند

(در زمینه بهداشت و بهداری دردانشکده بهداشت مقالاتی موجود

است) سمینارها *National Health planning*
کتاب برای مراجعه

پارهای از خط مشهای بهداشت و بهداری

اصل یا اهمیت (۱) برخورد جامع نسبت به مسئله ب و ب

Comprehensive approach یک برنامه ریزی بهداشت و بهداری ناچار باید نه فقط به مسئله درمان و مبارزه با بیماری بپردازد بلکه اقدامات بهداشتی - پیشگیری - آموزش و پژوهش را در مجموعه خدمات خودش بصورت هماهنگ منظور بدارد .

این برخورد جامع معنی دقیق دیگری دارد یعنی بهیچوجه ضروری نیست که موسساتی را که برای ارائه خدمات بهداشت و بهداری منظور می‌داریم بصورت تک وظیفه‌ای باشد .

مثلاً "مؤسسه‌ای داشته باشیم برای تغذیه کودکان کم درآمد و اندر زگاه

یک مؤسسه بنام درمانگاه یک مؤسسه بنام مرکز بهداشت داشته باشیم

از مطالعات در کشورهای در حال رشد یک نوع برخورد بهم پیوسته ضروری است ممکن است ترتیبی داد که درمانگاه در عین حال مرکز بهداشت

و پیشگیری باشد و آموزش هم بدهد، آئین مادری — بچه داری بیاموزد .
 بهداشت خانه وزن باردار و همچنین این مراکز میتوانند نقش اندرزگاه را —
 در توزیع شیرینی بچه راعهده دار شود .

در ب سوم با توجه به محدودیت منابع و نداشتن متخصص کافی در
 زمینه بهداشت و بیماری محیط اگر بخواهیم مؤسسات اجتماعی برای هر
 کاری داشته باشیم بسیار گران تمام میشود .

یک بیمارستان باید حداقل بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ تخت داشته باشد
 تا اقتصادی شود . این بیمارستان علاوه بر سرویسهای اصلی (زایمان —
 جراحی — داخلی و غیره) باید یک سلسله فعالیتها مانند داشتن پلی کلینیک
 که بیماران سرپائی را پذیرد — در مواردی وظیفه تعلیم و تحقیق راعهده دار
 باشد .

در بیمارستان فیروزگر که انواع این خدمات را با هم هماهنگ کرده اند .
 یک سلسله راهنمایی به بیماران میشود . پرستار تربیت میشود . درمان —
 میکنند — پیشگیری میکنند .

اصل دوم — فکر شبکه؛ یکی از مسائل مهم نا هماهنگی منطقه است نابرابری
 مناطق از نظر میزان آبادی و درآمد و غیره و این نابرابری مانند یک تسلسل
 باطل محرومیت از خدمات آموزشی و درمانی و بهداشتی را همراه میآورد و یکی
 از هدفهای هر برنامه اجتماعی توزیع عادلانه تر درآمد است . بنابراین خود
 برنامه بهداشت و درمان باید وسیلهای برای تحقیق این هدف باشد اینجاست
 که اندیشه شبکه بوجود میآید بعبارت دیگر تمام سرزمین باید از خدمات
 بهداشت و درمان بصورت بهم پیوسته برخوردار باشد .

وجود یک شبکه اجازه میدهد که در مناطق مناسب مراکز تعلیماتی
 و تحقیقاتی و طرحهای مشاوره و درمان عمومی و درمانگاه و مراکز بهداشت برقرار
 شود و بین آنها ارتباط دقیق و صحیحی بوجود آید .

وجود گروههای سیار پزشکی

اصل جامعیت برخورد به برنامه بهداشت و بهداشت آری و تغذیه و آموزش اصل مکملی دارد و آن توزیع شبکه درمانی و بهداشتی است .

سوم - اولویتهای خاصی است که در مراحل مختلف رشد اقتصادی مطرح میشود و قتی که کشوری در مراحل نخستین رشد است (در مرحله اقتصاد زراعی و تمرکز جمعیت در روستا) خواه ناخواه اولویت با بهداشت محیط روستاست . در ب - م - ر - آب نقش حیاتی دارد . جایگزین سوخت نفت بجای - سوخت حیوانی اما وقتی جامعه شروع به صنعتی شدن میکند مسائل و - - - - - صنعتی مطرح میشود مسائلی مانند آلوده شدن آبهای روان از مواد زائد صنایع - آلوده شدن هوا - سرو صدا و اثرات منفی آلودگی روی اعصاب انسان . توسعه صنعت همراه است با گسترش شهرنشینی پس مسئله بهداشت

محیط شهر مطرح میشود غذا - عطر - ماسک ممکن است مضر بر سلامت باشند پس کنترل برای سلامت لازم است . کنترل پاک نگاه داشتن هوا (درختکاری جنگلها - پارکها) مطرح میشود .

اصل ۴ - مسئله گروههای آسیب پذیر جامعه و لزوم توجه خاصی به آنهاست مادران باردار و شیرده حتی در کشورهای پیشرفته سالخوردگان در کشورهای نظیر ما کودکان گروههای آسیب پذیر هستند .

خیلی جوامع هستند که . . . در هزار کودکان در سال اول زندگی در میگذرند در کشور ما حدود ۱۰۰۰۰۰ کودکان در سال اول ولادت فوت - میکنند معذرت عده قابل ملاحظه ای قبل از رسیدن به ۷ سالگی میمیرند پس اندیشه خاصی برای این گروهها باید در نظر داشت .

اصل ۵ - مسئله حفاظت و مصونیت ، بسیاری بیماریها (انفلوآنزا) فراورده کشورهای خارج است پس مسئله قرنطینه مهم است .

اصل ۶ - مسئله اهمیت بیمه و نقش روزافزون آن ، با توجه باینکه ما مرحله ۱ از پیشرفت رسیده ایم که افراد سلامت را بعنوان حق قانونی خود تلقی میکنند .

مرحله *Discussion and Decision - planning*

- ۳- مرحله به بحث نهادن و به تصمیم رساندن
 ۴- مرحله اجرا^{ست} بموقع عمل کردن آن تدابیری که برنامه را از قوه به فعل در میآورد.

۵- ارزشیابی و تجدید نظر- سنجش نتایج حاصله از برنامه و تجدید نظر

در صورت لزوم *Evaluation and revision*

- براین اساس است که میتوان پایه‌های برنامه‌های آینده را گذاشت.
 این مراحل همه باید از یک سلسله ضوابط پیروی کنند.
 ۱- توسعه متعادل کلیه انواع و سطوح خدمات به‌داری برای کلیه افراد جمعیت.

۲- هدفهای برنامه ما باید از سه شرط زیر برخوردار باشد

اولا "واقع بین و قابل عمل باشد"

ثانیا "بین هدفها همبستگی و پیوستگی باشد"

ثالثا "کارآئی و موثر بودن *Efficiency*"

برای رسیدن به هر یک از سه شرط رعایت نکاتی ضروریست.

مثلا "برای واقع بین و عملی بودن باید وضع را شناخت و حتی المقدور با عدد

رقم مشخص کرد

ثانیا "عوامل ایجاد کننده بیماری و آن مسئله و مشکل را بدانیم"

ثالثا "راههای حل مسئله و افقهای آینده را مشخص کنیم"

رابعا "از نتیجه بدست آمده ارزشیابی درستی داشته باشیم"

البته این واقع بین ایجاب میکند که محدودیتهای خود را بشناسیم گاهی

محدودیتها جنبه مالی یا انسانی دارند گاهی کمبود مهارتها- گاهی مشکلات

فرهنگی و اجتماعی گاهی مسائل محیط فیزیکی است.

ببینیم اگر سیاستهای فعلی تغییر نکند وضع چگونه میماند بهمان نحو - بهتر یا بد تر میشود . .

بمجرد پذیرفتن بیمارستان ویژه مسلولین قبول کرده ایم که مثلاً "سل بعنوان يك بیماری ادامه پیدا میکند در حالیکه اگر گوئیم قادریم بیماران مسلول را - مداوا کنیم آنها خطری نخواهند داشت و در بیمارستان عمومی حتی خانواده - خودشان معالجه خواهند شد .

در مرحله سنجش وضع موجود يك سلسله اطلاعات باید جمع آوری شود ؛ اطلاعات درباره مرگ و میر رواج بیماریها - وضع تغذیه مردم - عوامل بیماری‌زا و در همین مرحله است که باید راجع به تعداد تخت . ظرفیت آنها - تعداد پزشک و پرستار و تکنسین در ارتباط با جمعیت باید بررسی شوند .

پس اجرای این مرحله بمرحله تعیین وضع مطلوب می‌رسیم یا حداقل تسهیلات درمانی و بهداشتی که ضرورت دارد . در این مورد يك روش بسیار متداول عبارتست از :

مقایسه به معیار بین المللی و ملاحظه نسبت تخت به جمعیت - طبیب به جمعیت در کشورهای مشابه و تطبیق آن بوضع خاصی يك کشور .

این مرحله همیشه تکنیکهای خاصی دارد . آیا مقایسه بین المللی کافیت ؟

آیا روش کشورهای آمریکای لاتین کافی است ؟

چگونه میشود وضع مطلوب را مشخص کرد .

در آغاز برنامه سوم پس از شناخت مجموعه شرایط و احوال بهداشتی و بهداشتی مملکت اندیشه جامعیت برنامه مطرح شد یعنی شمول بر بخش دولتی و خصوصی .

ثانیا - فکر *Integrated Approach* دید جامع بهم پیوسته

از بهداشتی و بهداشتی مورد نظر قرار گرفته .

درمان بدون مبارزه با بیماری - و مبارزه با بیماری بدون بهداشت محیط

وبهداشت محیط بدون بهداشت فردی و بهداشت فردی بدون تغذیه و پیشگیری و تغذیه و پیشگیری بدون آگاهی یعنی آموزش بسیار بزرگمست بشمر میرسد بنابراین می بینیم در برنامه سوم و چهارم این نظر بهم پیوسته ای که می خواهد تمام خدمات را با هم جوش بدهد (یعنی درمان مبارزه با محیط بهداشت فردی و محیط) وجود دارد و برنامه ضمناً " می خواهد یک شبکه وسیع خدمات درمانی - ب در مملکت بوجود بیاورد .

این مفهوم خود ارزش دارد اعم از اینکه انجام شده باشد یا نه سوم - انتقال از برنامه سوم و چهارم اندیشه تازه ای را ایجاد کرد که اندازه های نه بطور کامل اجرای شبکه مورد اشاره را بتأخیر انداخت و آن فکر کمک به پزشکان خصوصی برای تأسیس بیمارستان و کلینیک بود .
اطباء وقتی مریضخانه مال خودشان بود بهتر کار میکنند این یک تذکره است و سپردن پزشکی بخود مردم یکی از عواملی بود که سبب تأخیر اجرای شبکه درمانی و بهداشتی شد .

در مملکت سالی ۶۰۰ طبیب تربیت میشود و شاید ۴۰ درصد برای کشور میماند و بقیه برای تخصصهای عالی بخارج میروند و بر نمیگردند .
اگر تراز اول اجرا شود احتمال دارد تعداد اطباء از خارج بایران بیایند هنوز این استدلالات ارزشیابی درست نشده است .

قسمتی از اعتبارات برنامه چهارم صرف اعطای وام به گروههای پزشک شد . آیا تا چه اندازه این طرح جاذب دکترهای خارج کشور بوده نمیدانیم .

و آیا این بیمارستانها تا چه حد مؤثر در درمان خواهد بود نمیدانیم ولی اندیشه شبکه درمانی و بهداشتی را دور کرد

آنچه موجب فکر تأخیر شبکه درمانی و بهداشتی شد و آن واگذاری امور درمانی و بهداشتی به ۱- دانشگاه ۲- شیروخورشید سرخ ۳- به انجمنهای بهداشتی بوده است (طب ملی)
(National Medicine)

۱- طب ملی در این جهت است که دولت یا با پرداخت پولی یا پرداخت مزدی (به طبیب مزد بدهند یا در حدی با بست درمان بدهند) درمان رابعهده بگیرد و این با طب سوسیالیستی با "لنا" فرق ندارد و طب وظیفه دولت است

۲- در مقابل نظریه بالا نظریه دیگری است (آمریکائی با نظریه سرمایه داری) که میگوید موجباتی فراهم کنیم که نگهدارنده تأسیسات درمانی عمده بخش خصوصی باشد با استثنای بیماریهای واگیر مانند تیفوس (که وظیفه دولت است)

۳- بطور کلی درمان از آن بخش خصوصی یا غیردولتی باشد و دولت خدمات را بخرد - نظر اینست که این طریق مفید است .

ولی انتخاب بین دوره دوم و سوم يك جریان سیاسی است

۴- تشدید نقش دولت در زمینه بهداشتی و بهداشت محیط و پیشگیری و آموزش و میتوان گفت برنامه های سوم و چهارم بهداشت گراسی بوده و هستند .

۵- هر دو برنامه از یک جهت پیوستگی دارند و آن مبارزه با بیماریهای بومی - مالا ریا . و بیماریهای سه گانه (کزاز - دیفتری - سیاه سرفه) است و البته دولت در مبارزه با بیماریهای آمیزشی و دستگاه ریوی بسیار فعال بوده است . رجوع شوریه برنامه چهارم عمرانی کشور فصل بهداشت و بهداشتی .

روش در برنامه ریز بهداشت و بهداشتی سه گونه روش در این زمینه توسعه میشود *

۱- روش کشورهای سوسیالیستی

۲- روش هندوستان

۳- روش کشورهای آمریکای لاتین

از روش آخرین شروع میکنیم و در اینجا برنامه ریزی سه کار را باید انجام دهد .

اول- برآورد ی از منابع فیزیکی و بودجه ای که هر سال و برای تمام دوران برنامه در اختیار خواهد بود .

(چه منابع و وسایلی در اختیار داریم) .

دوم - تعیین هدفها که برای رسیدن به آنها منابع مزبور مورد استفاده قرار

خواهد گرفت .

سوم - انتخاب ابزارها و وسایلی که برای رسیدن بمقصد فوق مورد استفاده قرار خواهد گرفت . ابتدا شناخت بیماریهای رایج شناخت مرگ و میر کودکان شرایط محیط از نظر بهداشت - بطور کلی شناخت مسائل است .
شناخت امکانات و منابع

این امکانات ممکن است انسانی باشد (چند طبیب داریم و چند تا میتوانیم داشته باشیم) ممکن است فیزیکی باشد (امکانات مادی و بیمارستانی) که برای توسعه شبکه بیمارستان پول خرج کرد .
امکانات بودجه‌ای - مانند پول

اشکال موجود در این روش اینست که روی منابع بیش از اندازه تکیه میکند در حالیکه میدانیم اگر ما تشخیص بدیم که حداقل احتیاجات بهداشتی و درمانی مردم تجهیز منابع تازه‌ای را ایجاد میکند باید این موضوع را «عربجا» بیان بکنیم .

مثلاً " با افزایش جمعیت باید استاندارد ها پائین نیاید (يك پزشك برای فلان تعداد بیمار لازمست) اگر این را بعنوان يك استاندارد بپذیریم با افزایش جمعیت نباید تعطیل یابد بلکه باید در بهبودش بکوشیم .

(اشکال روش آمریکای لاتین اینست که روی منابع انسانی - فیزیکی و بودجه بسیار تکیه میکند در حالیکه بنظر ، حق این بود که حداقل نیازمندیها و ضوابط و استانداردها مثلاً " يك طبیب در مقابل چه مقدار جمعیت مشخصی شود و در نیل به بهبود کوشش شود) .

در بعضی از کشورهای در تعقیب روش مذکور شده بررسی هزینه و سود - برنامه‌های بهداشتی و بهداشتی میشود همانطور که بررسی هزینه و سود برای آموزش و پرورش میشوند .

در مقابلش تجربه کشورهای سوسیالیستی است که براساس آن این اصل اعلام شده است در تمام سطوح برنامه ریزی و مدیریت اقتصاد سوسیالیستی اندیشه در این متمرکز باید باشد که بهترین و موثرترین استفاده از منابع مادی نیروی کار - پول و منابع دیگر بدست آید و همه نوع اتلاف و انحراف زائد مرتفع و منتفی گردد.

رسیدن به هدف بنفع جامعه با احراز بهترین نتایج ولی با صرف کمترین هزینه همانست قاعده اساسی ساختمان اقتصاد سوسیالیستی.

(در کشورهای سوسیالیستی خدمات اجتماعی مثل تولید اقتصاد (یوگوسلاوی) و در مجموع برای برآوردن آن نیازها دولت منابعی را تخصیص میدهد و دیدیابی است که علاوه بر عوامل اقتصادی در تعیین اولویت ها عوامل سیاسی و اجتماعی بسیار موثر است .

این طرز برنامه ریزی ما را بیشترین اصل تعیین حداقل نیازها و کوشش برای برآورد آن نزدیک میکند .

این روش منطقی تشخیص داده شد و اشاره میشود که خواه ناخواه در مراحل تکامل اقتصاد سطح بهداشت و درمان و نوع آنها تحول مییابد بنابراین باید با توجه به منابع هدفهای را انتخاب کرد که با سطح تکامل و مسائلی که در هر سطح مطرح میشود تطابق داشته باشد اینست که برای جامعه ها در شرایط مختلف رشد اقتصاد ضوابط مختلفی از لحاظ حداقل تسهیلات و تأسیسات درمانی و بهداشتی تعیین شده است که میشود از آن استفاده کرد مثلاً " قبلا " اشاره شده که سازمان ملل متحد برای سال ۱۹۷۰ کشورهای در حال رشد ضوابط و معیارهایی را تعیین کرده که بنظر ما ضوابط و معیارهای حداقل است و در داخل آن هر جامعه میتواند هدفهای خود را در سطح بالاتری تعیین کند .

این ضوابط يك طبيیب برای ۱۰۰۰ جمعیت

يك پرستار برای ۱۰۰۰ جمعیت

يك تكنسین آزمایشگاه برای ۱۰۰۰ جمعیت

كمك متخصص بهداشت برای ۱۰۰۰ " "

يك بهساز محیط برای ۱۰۰۰ " "

يك مهندس بهداشت برای ۱۰۰۰ نفر بوده است .

آنچه مهم است این است که هر کشور مسائل اولوی بهداشتی و بهداشتی خود را

تعیین کند و نیرو را برای حل آن مسائل تجهیز کند مثلاً " در جامعهای که گرفتار

ویا با بیماریهای مشابه هست (خاور دور) .

کشوری که گرفتار مسائل صنعتی شدن است با توجه به مسئله

خاص خود باید به طرح برنامه بپردازد و طبعاً " شناسائی درصد درآمد ملی

که میشود صرف بهداشت و درمان کرد مفید است ولی نباید بعنوان عامل تعیین

کننده اولی تلقی بشود .

از بیان تجرب به هندی خود داری میشود (بعثت طوانی شدن بحث)
 روش آمریکای لاتین مبتنی است اول - بر تخمین منابع مالی و فیزیکی دوم - تعیین
 هدفها که باید از منابع مذکور برای نیل به آنها استفاده شود .

سوم - انتخاب وسائل برای نیل به هدفها

منابع - بطور کلی باید بچند نکته توجه کرد .

اول - تفکیک بین منابع خصوصی و دولتی

دوم - تفکیک بین هزینه های جاری و هزینه های سرمایه ای

سوم - تشخیص منابعی که هر سال میتواند در اختیار باشد

چهارم - یکنوع بررسی هزینه و سود از لحاظ اینکه مشخصی بشود اگر منابع خود مان
 رابه برنامه های مختلف تخصیص بدیم از کدام چه مقدار نتایج بدست خواهد
 آمد .

آیا اصلاح است منابع را بین برنامه های مختلف پخش کنیم یا تمرکز بدیم
 در چند برنامه خاص یا اثر وفایده متمرکز فی المثل اگر هدف فعالیت های خود مان
 را کاهش مرگ و میر بدانیم آیا بهتر است که منابع خود مان رابه همه برنامه ها
 علی السویه بدیم یا در بعضی برنامه ها بیشتر متمرکز کنیم تا در نتیجه مرگ و میر
 کمتر بشود ؟

اماد رباره هدف ها و بطور کلی همانطور که یکی از متخمسان سا زمان
 ملل مطرح کرده است سه نوع برخورد از جهت هدف در برنامه های بهداشت
 و بهداشتی دیده میشود .

۱- برخورد اول قدیم تر است که بر مفاهیمی کلی و عمومی مبتنی است مثل اینکه
 خوبست ما برنامه های بهداشت محیط - توسعه بیمارست آنها - آموزش بهداشت
 پرورش متخصص و غیره داشته باشیم و بدین منظور باید تسهیلات و تأسیساتی
 بوجود بیاوریم که نتایج خاص فوری از آنها توقع نداریم بعبارت دیگر میگوئیم
 هدف اینست که مرگ و میر کودکان ۵۰ درصد کاهش یابد یا عمر متوسط فلان قدر
 سال بالا رود .

بلکه توصیه برای آنستکه مقداری تأسیسات و تسهیلات که فوائد عامی دارد با رعایت استاندارد هائی بوجود آوریم این روشی است که بعقیده همین متخصصی برای کشورهای در حال رشد مناسب است
برخورد اول (همان برخورد همه جانبه ای است که در جلسه گذشته ذکر شد و اینجا بکار می آید)

ولی يك هدف مشخص و منجزی در برنامه مورد نظرست
برخورد دوم — بعضی از گروههای سنی زجنسی جمعیت (یا گروههای آسیب پذیر) را انتخاب میکنیم و روی آن تاکید می ورزیم مانند بهداشت مادران — کودکان — بهداشت ویژه صنعتی .
برخورد سوم — تکیه بر روی مسائل بهداشت و بهداشتی مثل "در کشوری — بیماریهای سل — انگلی و یا آمیزشی بسیار است و هدف ما قلع و قمع آنهاست یا خل مسائل است — هدفش جهاد با مسائل بهداشت و بیماریهاست این روش است که کشورهای پیشرفته می پذیرند و در قالب حل مسائل به برنامه ریزی می پردازند .

بعقیده استاد این برخورد ها مانع الجمع نیستند و خلاف محقق مورد اشاره بنظر ما میرسد شاید بهتر باشد از شناخت و حمله برای حل مسائل آغاز کرد و متد رجا " کلیت و عمومیت برنامه و شمول آنرا به گروههای خاص منظور نظر قرار داد .

چرا این روش توصیه میشود ؟

ما بعنوان کارشناس وارد مملکتی میشویم؛ میبینیم که بیماری خواب (مگس تسه تسه) عده بسیاری از جمعیت را فلج کرده است . در اینجا به تمام برنامه های بهداشت و بهداشتی پرداختن خیلی زود است و اگر ما آن مسئله (مثلا " خشک کردن با طلاقها) یا شش پاشی برای از بین بردن پشه ها بپردازیم خیلی بهتر آماده خواهیم بود که هم برنامه را از لحاظ گروهها و هم از لحاظ خود دامنه برنامه بهبود بخشیم .

۳- وسائل برای نیل به هدفها: در اینجا مسئله صرفه جوئی در منابع —
 کارائی وسائل (کاربرد آنها در احسن وجه) با توجه بمقتضیات محیط مطرح
 میشود .

فی المثل در جامعه‌ای که خانواده پدرسالاری وجود دارد ممکن
 است استقبال از زایشگاه فوق العاده کم باشد ولی مسلماً " زایمانهای داریم
 که ناچار از مراقبت پزشکی است . پس باید وسائل را نسبت به مقتضیات اجتماعی
 و اقتصادی آماده کرد (باید قابله سیار تربیت کرد) .

مراحل مختلف تهیه برنامه بهداشت و بهداری : خلاصه و نتیجه‌گیری؛
 برنامه ریزی همیشه با یک سلسله شناسائیه‌ها و ارزیابی‌ها آغاز میشود باینکه سلسله
 تقسیمات پایان می‌پذیرد .

الف — شناسائیه‌ها و ارزیابی‌ها

- ۱- شناخت و ارزیابی وضع موجود بهداشت و تندرستی نزد مردم و محیط
- ۲- شناخت و ارزیابی کلیه منابع موجود } شامل تأسیسات و تسهیلات بهداشتی
 و درمانی
- ۳- ارزیابی نتایج حاصله با استفاده از منابع و وسائل موجود در اینجا است
 که موضوع کمبود پزشک و استفاده نامتناسب از تخت بیمارستان مطرح میشود .
- ۴- ارزیابی از گرایشها } گرایشهای ناشی از توسعه مثل توسعه جمعیت — توسعه
 شهرنشینی — توسعه ارتباطات و حرکات جمعیت و اثر
 آنها در رونق بهداشت و سلامت
- ۵- شناخت و سنجش افقهای آینده اقتصادی و مالی . منابعی که در اختیار
 مملکتی است . منابع مالی فنی .

بر اساس این ۵ نوع ارزیابی است که باید اتخاذ تصمیم کرد .

ب — تقسیمات

اول- برقراری اولویتها در میان احتیاجات و برنامه‌های پاسخگوی آن احتیاجات

دوم — بررسی همزینه برنامه‌های پیشنهادی

سوم — عامل زمان — مرحله بندی در طول اجرای برنامه

چهارم - پیوستن و تلفیق کردن برنامه در متن کلی برنامه رشد اقتصادی و - اجتماعی .

(در دانشکده بهداشت سلسله انتشاراتی هست که به تفصیل جزئیات برنامه ریزی سیاست و صور آنرا بیان میکند) .

مسکن یکی از سه احتیاج اساسی مادی بشر است که در راس احتیاجات قرار دارد و نیاز به حمایت - امنیت و آرامش و احتیاج به زندگی خانوادگی را باید برآورده کند .

بنابراین برنامه ریزی مسکن و سرمایه گذاری در مسکن امروز بیش از پیش در برنامه های رشد ملی اهمیت می یابد .

ده اصل کلی باید راهنمای تنظیم خط مشی مسکن در برنامه های عمرانی باشد اولاً " قبول اصل برنامه ریزی فیزیکی بصورت هماهنگ و پیوسته با برنامه ریزی اقتصادی و اجتماعی .

امروز این سه نوع برنامه ریزی (اقتصادی ، اجتماعی ، فیزیکی) - بصورت همبسته و پیوسته در یک مجموعه واحد مطرح است .

ثانیاً - مزیت برنامه ریزی فیزیکی که بر جنبه منطقه ای و محلی مبتنی باشد توضیح - حوائج برنامه ریزی فیزیکی و مسکن در روستا و شهر و در مناطق مختلف یکسان نیست ، مناسب است عامل جغرافیا را مدخلیت بدسیم .

سوم - اگر قبول کنیم که مسکن در قالب وسیعتر توسعه اقتصادی و اجتماعی مطرح است ، بناچار باید امر صنعتی شدن شهر نشین و نظام آن روی - وضع مسکن بررسی و سنجیده شود و در این قالب سیاستی تنظیم بشود .

چهارم - توسعه جمعیت و افزایش جمعیت شهر نشین ایجاب می کند که سطح و استاندارد مسکن تنزل نکند بلکه اعتلاء بیابد .

استاندارد مسکن در ایران بهبود نیافته است . فشردگی در واحد مسکون بیشتر شده است این تباه شده استاندارد به هیچوجه پذیرفته نیست باید حداقل استاندارد گذشته حفظ شود .

در آسیا . ۵ درصد جمعیت روستائی در وضع مسکن نامناسبی هستند
حداقل . ۴ درصد جمعیت شهری این وضع را دارند که در زاغه — کوجه —
و کپر زندگی میکنند .

حداقل : افزایش جمعیت نباید سطح را متنازل کند .
پنجم — انطباق مسکن با شرایط محیط و خصوصیات اجتماعی و فرهنگی وقتی
در محیط سنگ فراوان است باید بعنوان مصالح ساختمانی استفاده شود .
یا اگر زیر زمین پیست و وانبار در زندگی ، نقش حیاتی دارد اگر ساختمان این نظر
را تأمین نکند طبیعا " مردود است و مردم در آن خوشدل نخواهد بود .
ششم — لزوم توجه خاصی به تأمین مسکن برای قشرها و طبقات کم درآمد . این
یک امر جهانی است که گروههایی درآمد کم دارند و در شرایط نامناسب مسکن
زندگی میکنند پس برنامه ریزی باید توجه خاصی به این گروهها بکند .
برای گروههای کم درآمد باید چاره‌های خاصی اندیشید

هفتم — مشکل گرانی بی تناسب زمین و لزوم جستجوی راه حل
هشتم — تکنیک ساختمان در دنیای تحولاتی در صنعت ساختمان روی داده و
ممکن است راه حل‌های ارزانتر پیدا شود باید راه حل‌ها مطالعه شود و اگر منطبق
با شرایط مردم است استفاده کرد خانه‌های جمعی از لحاظ امکان ساختمان
و صرفه جوئی در بعضی مصالح باید با خانه‌های انفرادی مقایسه شود و آنکه
مطلوب است باید انتخاب شود .

نهم — تجهیز منابع : هر سال برای هزار نفر جمعیت حداقل ده واحد مسکونی
باید ساخته شد و این هدف برنامه مسکن سازمان ملل است تا در طول زمان
مشکل مسکن قابل حل باشد در ایران در سال حدود ۳۰۰ هزار مسکن باید
بسازیم و حالا آنکه ۶۰ هزار مسکن هر سال ساخته میشود .

باید جایگزین برای مساکن که در حال ویرانی است در نظر بگیریم
مخارج این خانه سازی مستلزم ده درصد تولید ناخالص ملی است .
در حال حاضر کشورهای آسیائی ۱ تا ۳ درصد بیشتر صرف مسکن نمی کنند .

باید تدابیر مختلف برای تجهیز منابع بکاربرد

- ۱- خانه سازی از طریق شرکتهای تعاونی که در بعضی کشورها آزموده شده
 ۲- فعالیت دولت برای خانه سازی
 ۳- وام بانکها برای خانه سازی
- از جمله تدابیر هستند

دوم - مسئله قشر کارگری و خانه کارگری و لزوم همکاری کارفرمایان - کارفرما را باید تشویق کرد که وارد این عرصه بشود .

اصول برنامه ریزی مسکن :

اول . شناخت وضع کلی مسکن ، نیازها - کمبود ها - مسائل و مشکلات از طریق

مطالعات نمونه ای و سرشماری و بررسیهای جمعیت و مسکن

بعبارت دیگر در اینجا باید بد اینم که وضع چیست ؟ تا بتوانیم

کمبود ها را تشخیص دهیم اولویت ها را در نظر بگیریم .

ثانیا - جمع آوری اطلاعات و آمار ها بطور منظم در مورد فعالیتهای خانه سازی

و همچنین تولید و مصرف مواد و مصالح ساختمانی . اینهم یک نوع سنجش وضع

است .

سوم - تعیین کردن حداقل احتیاجات و استانداردهای مسکن و مشخص

کردن تدابیر برای پاک کردن زائده ها و بالا بردن سطح خانه نشینی متنازل -

گروههای کم درآمد .

در مسئله مسکن باید به حداقل ساخت ، نارسائی مسکن یا پدیده

جهانی است و شدت وضعش فرق میکند ناچار باید حداقلهایی در نظر بگیریم .

Low cost Housing = خانه های ارزان قیمت کارگری

چهارم - گنجاندن برنامه مسکن در برنامه ریزی فیزیکی شهر و روستا و منطقه .

مسکن امروز بعنوان يك واحد تك افتاده مطرح نیست .

۱-۱۵ سال پیش ، مسکن چهار دیواری و سرپناه بود این امروزه قابل طرح

و بحث نیست برای آنکه مسکن باید به سایر نقاط مرتبط باشد از برق و آب برخوردار

باشد (بتوان خریدهای یومیه را انجام داد) و بطور کلی باید در قالب برنامه باشد .

پنجم - مسئله پرورش افراد اعم از برنامه ریز و مهندس و معمار ، کارگر ، طر
که باید مجری برنامه های خانه سازی باشند .

ششم - تجهیز منابع از جهات مختلف چه انسانی و چه مالی و همچنین فنی
باید پیش بینی فنی هم کرد یعنی استفاده از تجربیاتی که در
خانه سازی بصورت تراکمی و انبوه و جمعی در دنیا وجود دارد .

هفتم - تجهیز منابع غیر مالی و مادیست بصورت کمک کار و بصورت مواد و مصالح
ساختمانی

درباره روستا باید تدابیر خاصی را اتخاذ کرد و آنها نیروی کار دارند
و میتوانند مصالح را تهیه کنند باید از آن استفاده کرد .

هشتم - پژوهش و اتخاذ تدابیری برای بالا بردن قدرت ظرفیت - مقاومت
و کارائی مواد و وسائل ساختمانی و خود ساختمان .

نهم - مسئله بدست آوردن زمین و توسعه زمینها برای ساختمان خانه ها
بخصوص خانه های مورد استفاده عام - طبقات کم درآمد و تشویق بخش خصوصی
و شرکتهای تعاونی و همینطور خود یاریهای پشتیبانی شده در این زمینه .

دهم - پیش بینی خاصی برای گروههایی از جمعیت که دولت یا جامعه باید به
آنها از لحاظ مسکن کمک کند مثل گروههای کم درآمد جامعه حاشیه نشین -
کارمندان دون اشل . هم باید در برنامه محل خاصی داشته باشند .

یازدهم - لزوم تشویق تحقیق از جهت اقتصادی اجتماعی - فنی و اجرای
طرحهای نمونه که بعداً بتوان تعمیم کرد .

دوازدهم - پیش بینی مکانیزمهای اعتباری - برنامه ریزی - مدیریت -
نگهداری برای طرحهای خانه سازی بعبارت دیگر سیستم اداری که باید
خانه سازی را اداره کنند .



Publication de l' Institut d' Etudes et de Recherches Sociales.
Université de Téhéran
No. 61

STATISTIQUES DEMOGRAPHIQUES

en Iran

Par

M. AMANI

Téhéran - 1968

۲۵۴۶۵



Publication de l' Institut d' Etudes et de Recherches Sociales.
Université de Téhéran
No. 61

STATISTIQUES DEMOGRAPHIQUES

en Iran

M. AMANI